

هجمه شامی



با اسکن این کیو آر کد ببینید چرا حمله آمریکا به سوریه و عراق باعث تحقیر یابن شد

غرش ایران

حمله حقیرانه آمریکایی ها
قدرت ایران را نشان داد

تیم ملی فوتبال ژاپن را
با اقتدار شکست دادیم

پروژه براندازی با تعطیلی منوتو
دوباره شکست خورد

صفحه‌های ۹ و ۱۰

جنگ زرگری در کانال‌های ارز و سکه!

بسیاری از کانال‌های تلگرامی اعلام قیمت ارز و طلا و سکه، با خبرهای جعلی آتش بیار معرکه شده‌اند تا قیمت‌ها را بالا ببرند



صفحه ۴

با اسکن این کیو آر کد ببینید کانال‌های تلگرامی سکه و ارز چطور با خبر جعلی بیار معرکه شده‌اند تا قیمت‌ها را بالا ببرند؟

گفت‌وگو با شهردار شب پایتخت

تهران خواب ندارد

خدمات شهرداری در شب عمدتاً به حوزه‌های ترافیکی، عمرانی و فرهنگی-اجتماعی اختصاص دارد



صفحه ۱۳

با اسکن این کیو آر کد یک روایت عجیب از شهردار شب پایتخت بشنوید.

اقتدار فضایی ایران در ۲ سال

رئیس جمهور در مراسم روز ملی فناوری فضایی: ۱۱ پرتاب موفق طی ۲ سال تحریم‌ها را شکست داد

صفحه ۱۹

افتتاح مدرن ترین مرکز ساماندهی معتادان

روز گذشته در نود و پنجمین پویش امید و افتخار فاز دوم باور شهر ۹ به بهره‌برداری رسید

صفحه ۱۶



۷۵۰۰ نفر ظرفیت کل یاور شهرهاست.



۴۰۰۰ نفر ظرفیت این یاور شهر است.



۲۵۰۰ مترمربع مساحت این یاور شهر است.

ضمیمه امروز

مرکز تهران پژوهی همشهری

داریوش شهپازی: تهران پژوهی

اخلاق کاسبی، دوره گرد و حجره دار نمی‌شناخت



«انگوری ای انگوری! مثل چراغ زنبوری! باغ آباد انگوری! بیا که چه انگوری آوردیم...» این عبارات انگین که با صدایی رسا و آواز گونه صبح‌ها در کوچه پس کوچه‌های تهران قدیم می‌پیچید از حنجره مردان زحمتکشی خارج می‌شد که دوره گردی را برای کسب درآمد بر گزیده بودند.



در نقشه‌های تهران قدیم و اسناد تاریخی به چندین باغ و خیابان با نام «انگوری» می‌رسیم. یکی از آنها طبق نقشه نجم‌الدوله در جنوب شرقی میدان کنونی محمدیه بوده است. این باغ را بدان سبب که در آن انگور فروخته می‌شد و پاتوق انگور فروش‌ها بود، «انگوری» یا «انگور روشی» می‌گفتند. «بنگاه انگوری» در جنوب کوچه شهید موسوی بازمانده همان باغ است.

انگوری‌ها عموماً از طبقه ضعیف جامعه بودند، اما این بدان معنا نبود که چون از طبقه ضعیف جامعه هستند هوای افراد بی‌بضاعت را نداشته باشند. کاسبان قدیم مصداق این روایت از پیامبر (ص) بودند که فرموده‌اند: «کاسب خبیث‌الله». کاسبان با این نگاه، طبیعی بود که مراعات حال ضعیفان را می‌کردند. تا همین دهه‌های ۲۰ و ۳۰ کاسبان چوب‌خط داشتند و صورت بدهی مشتری‌هایی را که توان خرید نداشتند ثبت می‌کردند و نکته مهم این بود که چوب‌خط یا همان صورت بدهی، برای حفظ حرمت به‌دست مشتریان داده می‌شد. اصل کاسبی بر مبنای اخلاق بود. فرقی هم نمی‌کرد مغازه قصابی باشد و گوشت به‌دست مشتری بدهد یا کاسبی رتبه دوم که در شهر می‌گردد و صدای دانشینش، «انگوری‌ای انگوری» در شهر می‌پیچد.

داده‌نما

محمد رضا محمدی تاش: گرافیکست

ورود ۹/۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی به کشور

فکری، رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران گفت: ایران فقط در سال ۱۴۰۱ به‌صورت قطعی، نزدیک به ۴/۲ میلیارد دلار جذب سرمایه خارجی داشت که در مقایسه با سال‌های قبل از آن رشد قابل توجهی است در این دوره ما حدود ۱۷۰ درصد رشد سرمایه‌گذاری را شاهد هستیم. جذب سرمایه ما به‌صورت مصوب یعنی طرح‌های سرمایه‌گذاری که طرف‌های خارجی ابراز علاقه‌مندی کردند و بخش‌هایی از سرمایه‌شان را هم وارد ایران کردند ۹/۲ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با گذشته بسیار متفاوت است.



سال‌های بعد از برجام توتال وارد فاز ۱۱ پارس جنوبی شد

بیش از ۴ میلیارد دلار ارزش سرمایه‌گذاری اعلام شد اما سرمایه‌گذاری‌ای انجام نشد و مجوز باطل شد.

۲۰٪ از سرمایه‌گذاری سال جاری مربوط به ایرانیان خارج از کشور

نفت و گاز، در رتبه اول جذب سرمایه‌گذاری

در سال ۱۴۰۲:

چین رتبه اول سرمایه‌گذاری‌های با ۲/۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ۸ ماه تنوع سرمایه‌گذاری در حوزه‌های معدن، گردشگری، فناوری‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر، صنایع مختلف، تولیدات لوازم بهداشتی، آرایشی اموارات رتبه دوم با یک میلیارد و ۳۰۸ میلیون دلار سرمایه‌گذاری روسیه رتبه سوم

یادداشت

محسن مهدیان: مدیرمسئول

فوتبال سیاسی



مردم سیاسی نیستند یکم. گفت چپرا مرگ یک ملت را می‌خواهد؟ گفتیم کمر شکن سفزه مردم ایران را هر روز تنگ تر کردند. دقت دارید دیگر؟ شعار مرگ برای سیاستمداران مکار این کشورها

است نه مردم‌شان. سکوت کرد. گفت ولی آنهایی که ژست صلح می‌گیرند، در عمل با تحریم‌های اقتصادی کمر شکن سفزه مردم ایران را هر روز تنگ تر کردند. دقت دارید دیگر؟ علیه مردم ایران و نه حکومت.

علم سیاسی نیست دوم. برخی ژست بی‌طرفانه برای علم می‌گیرند و معتقدند ساحت علم از زدوخورد‌های سیاسی به‌دور است. اما همین جریان پرمدعا وقتی ایران به توان تولید واکسن کرونا در بین ۶ کشور اول دنیا رسید، هر چه در چپته داشتند به کار بستند تا مدار تولید متوقف شود؛ از جمله جلوگیری از ورود مواد اولیه؛ این یک نمونه نمایی از بی‌علمی است.

درمان، سیاسی نیست سوم. گفتند بهداشت و درمان خارج از سیاست است اما از سال‌های بیماری‌ها سرطانی و برخی بیماری‌های صعب‌العلاج مثل بیماری پروانه‌ای را ممنوع کردند. در غزه نیز بیمارستان‌ها را زیر بار موشک بردند. باقی فهرست‌ها باخودتان.

خبر، سیاسی نیست چهارم. یک عمر دروغی شاخدار به‌نام رسانه بی‌طرف را به خورد مخاطب دادند. اما امروز همین شعار مبتذل و مضحک را هم دیگر جرئت ندارند تکرار کنند. و حالا حتی یک خبیر بدون جهت‌گیری‌های سیاسی علیه ایران منتشر نمی‌کنند. اینکه نوشتن حتی یک خبر، بدون هر گونه اغراقی است.

هنر، سیاسی نیست پنجم. گفتند هنر برای هنر؛ اما ضعیف‌ترین و بی‌خاصیت‌ترین فیلم‌ها را صرفاً به خاطر ضدایرانی بودن، در جشنواره‌های غربی جایزه دادند و سردست گرفتند و از آن‌سو هالیوود را مرکز سفید شویی امپریالیسم سرمایه‌داری قرار دادند.

ورزش سیاسی نیست ششم. گفتند ورزش جای سیاست نیست اما زنان قهرمان المپیک را به خاطر حجاب سانسور کردند و فوتبالیست‌های ایرانی را به خاطر همراهی نکردن با ضدانقلاب به تمسخر گرفتند. موارد بسیار است؛ اما یک نمونه همین بازی ایران و ژاپن. قبل از شروع بازی و حتی بعد از گل اول ژاپن، شروع به تحقیر ملت ایران کردند و البته بعد از شکست ژاپن خفه‌خون و متغله‌انه به سکوت رفتند.

حرف آخر: سیاست مردم‌هاغیر از انسانیت‌شان نیست. آنچه حقه‌بازی و بندبازی است که اسمش روی خودش است و سیاست نیست؛ سیاست مردم‌هاغیر از انسانیت‌شان است. حیثیت‌شان است؛ چون کرامت نفس دارند، ظلم ستیز هستند و مدافع مظلوم و عدالتخواه و آزادی‌گرا و استقلال‌طلب با همین الگو همه‌شؤون زندگی‌شان سیاسی است. فوتبال ورزش است؛ پرده و باخت دارد؛ اما ملت ایران با غیرت و استقامت و تلاش، مکر دشمن در تقابل و ضدایرانی کردن علم و هنر و ورزش و غیره را به خودشان برمی‌گرداند و البته در این مسیر و با این نیت، بیرند یا بیازند پیروزند. فوتبال سیاسی یعنی همین؛ فوتبال به مثابه مبارزه.

این جشنواره از کجا وارد زندگی ما شد؟ ویژه‌نامه جشنواره فیلم فجر هر روز در روزنامه همشهری

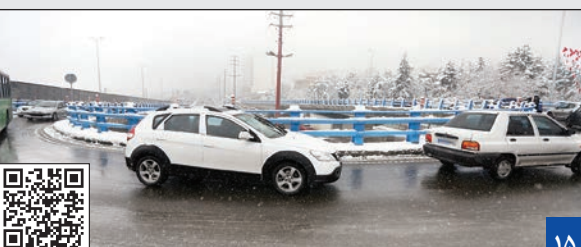
دوران تازه رادان

منتشر شد (۲۴)

ویژه امروز

پل ضد برف، روسفید شد

عملکرد سیستم پل ضد برف تهران (B9) بی‌نقص است



با اسکن این کیو آر کد گزارشی از عملکرد نخستین پل ضد برف تهران را در روز سفیدوشن شهر ببینید

شرکت فروش اموال مزاد بانکها (فام) برگزار می‌کند: مزایده ۱۴۰۲/۰۷

بکصد و هشتاد و یکمین مزایده املاک مزاد سیستم بانکی کشور

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۱-۲۲۰۵۸ تماس حاصل فرمایید. لیست مزایده در روزنامه: امروز رجوع به صفحه ۲۰



6 260641 200359



6 260641 200014

هجمات شهيرة

طافنا لاورد

همشري بالعربية

رئيس وزراء كندا: ندرس فرض عقوبات على مستوطنين متطرفين في الضفة الغربية

قال رئيس الوزراء الكندي جاستن ترودو، الجمعة، إن حكومته تدرس فرض عقوبات على مستوطنين إسرائيليين «متطرفين» في الضفة الغربية والقدس الشرقية، وذلك بعد العقوبات الأميركية بحق أربعة إسرائيليين متهمين بالتورط في أعمال عنف في الأراضي المحتلة. وأضاف ترودو، للصحافيين في واترلو بأونتاريو، «نبحث في سبل التأكد من محاسبة المسؤولين عن عنف المتطرفين أو عنف المستوطنين المتطرفين في الضفة الغربية»، وفقاً لوكالة «رويترز». كانت الولايات المتحدة الأميركية، قد فرضت، يوم الخميس، عقوبات مالية على أربعة مستوطنين إسرائيليين متهمين بتضعيد العنف ضد المدنيين الفلسطينيين أو تهريبهم أو تدمير الممتلكات في الضفة الغربية. وقالت وزارة الخارجية الأميركية، في بيان: «لقد عارضت الولايات المتحدة باستمرار الإجراءات التي تقوض الاستقرار في الضفة الغربية وأفاق السلام والأمن للإسرائيليين والفلسطينيين على حد سواء».

الصفقة... (حماس) تسقط شرط وقف الحرب

فيما وسعت حركة «حماس» المناقشات حول مقترح صفقة تبادل الأسرى مع إسرائيل لتشمل فصائل فلسطينية أخرى، قالت مصادر مطلعة على موقفها إن لدى حماس ملحوظات، وتريد تعديلات، لكنها تتجه إلى قبولها رغم أنها لا تنص على وقف شامل للحرب على غزة، ما يعني أنها أسقطت الشرط الذي كانت تتمسك به سابقاً. وأضافت المصادر أن الحركة ستكتفي بضمانات يقدمها الوسطاء في هذا الخصوص، لكنها ستتمسك بـ«الأثمان المطلوبة» لإنجاز الصفقة، بما في ذلك اختيارها أسماء المفرج عنهم من السجون الإسرائيلية، وحجم المساعدات للقطاع، وحرية الحركة، وعودة الغزيين إلى منازلهم في كل مكان، من ضمن شروط أخرى. وقالت المصادر لـ«الشرق الأوسط» إن المشاورات بين قيادة الحركة في الخارج وقيادة الحركة في قطاع غزة صعبة وتحتاج إلى وقت، وهذا ما يؤخر إلى حد ما الرد الرسمي والنهائي على مقترح التبادل الجديد. لكنها شددت على أن «حماس» ستكون حاسمة في موضوع حكم قطاع غزة، عبر التأكيد على أنه شأن فلسطيني داخلي سيتم حله فلسطينياً وليس للإحتلال علاقة به. يأتي ذلك في وقت يبدأ فيه وزير الخارجية الأميركي أنتوني بلينكن الأحد جولة جديدة في الشرق الأوسط، تشمل كلا من المملكة العربية السعودية ومصر وقطر وإسرائيل والضفة الغربية، وفقاً لما أعلنه الناطق باسم وزارة الخارجية الأميركية ماثيو ميلر.

إخفاقات بايدن المتواصلة

الرئيس الأميركي: لا نتطلع إلى خوض حرب ضد إيران



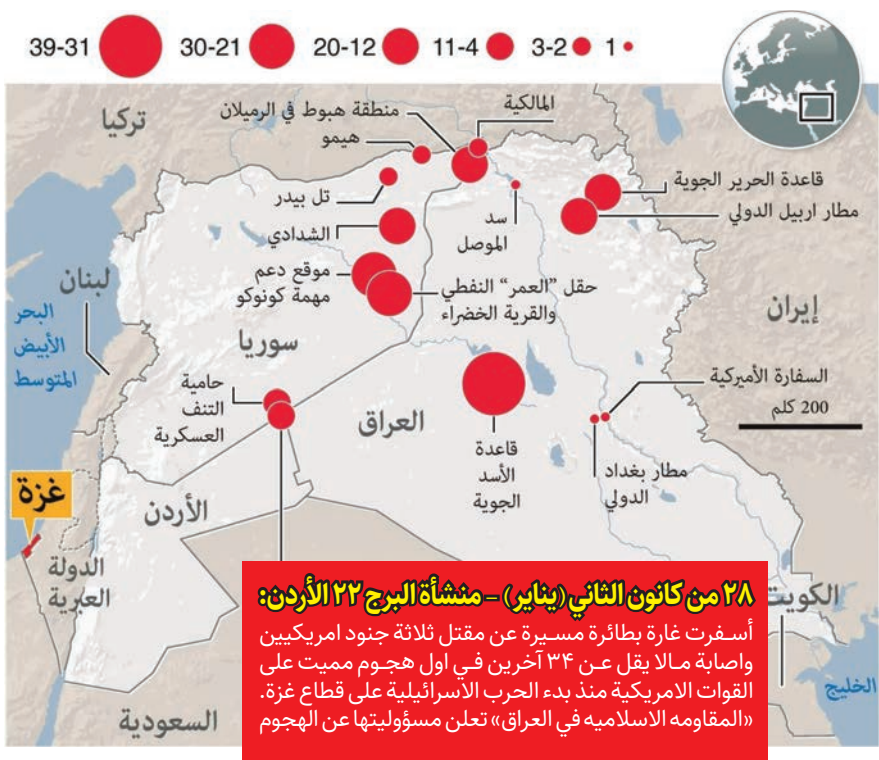
فلسطين في الصحف العربية



كاريكاتير



إنفوغراف



٢٨ من كانون الثاني (يناير) - منشأة البرج ٢٢ الأردن: أسفرت غارة بطائرة مسيرة عن مقتل ثلاثة جنود أمريكيين وأصابة مالا يقل عن ٣٤ آخرين في أول هجوم مميت على القوات الأمريكية منذ بدء الحرب الإسرائيلية على قطاع غزة. «المقاومة الإسلامية في العراق» تعلن مسؤوليتها عن الهجوم

الهجمات على القواعد الأمريكية في الشرق الأوسط

مسلحون تدعهم إيران نفذوا أكثر من ١٧٠ هجوماً ضد القوات الأمريكية منذ أن أدت الحرب الإسرائيلية على غزة إلى ارتفاع حاد في أعمال العنف في جميع أنحاء غرب آسيا

التقرير

الفشل الأميركي والهجمات المتأخرة

وكان رد فعل النائب الجمهوري عن ولاية إنديانا، جيم باتنكس، من بين أبرز التعليقات؛ حيث وصف حجم الهجمات بأنها «ضئيلة للغاية» و«بعد خمسة أيام» وفي إشارة إلى هجوم الأحد الماضي على قاعدة القوات الأمريكية في الأردن، أشار إلى أنه «لم تقم إيران بتحذيرنا قبل الهجوم». كما انتقد النائب الجمهوري عن ولاية فلوريدا، مايك والتز، التلاسن لمسؤولي البيت الأبيض، وقال: «أنا مهتم بمعرفة كيف ستؤثر الرسائل التي أرسلتها إدارة بايدن حول هذه الهجمات في الأيام الخمسة الماضية تجسيدا لقدرةنا على فرض تكاليف حقيقية على المدنيين». ونشرت سكاكي نيوز تحليلاً للخبير العسكري البريطاني شون بيل، أكد فيه أن الولايات المتحدة لا تنوي تضيق الوضع؛ ما يحدث هو بمثابة أعراض المرض وليس نفسه. بل المرض الحقيقي هو العراق المستمر في غزة، ومضى شون بشير إلى أن «الهجمات الأمريكية المحتملة من العمليات في المنطقة، مشيراً إلى تمهل الإدارة في الرد على الهجمات التي استهدفت القوات الأمريكية في الأردن».

وانتقدت وسائل إعلام ومسؤولون أميركيون بارزون بشدة، إدارة جو بايدن بشأن الإعتداءات الأميركية في العراق وسوريا، ووصفوا تلك الهجمات بـ«المتأخرة» و«الفاشلة».

النطاق الجغرافي للهجمات الأمريكية
وأعلنت القيادة المركزية أنها في الساعة ١٦:٠٠ بتوقيت شرق الولايات المتحدة، هاجمت أكثر من ٨٥ موقعا في العراق وسوريا، وأنه تم استخدام «طائرات متعددة، بما في ذلك قاذفات انطلقت من الولايات المتحدة في هذا الهجوم. وصرح النائب الجمهوري عن ولاية فلوريدا، كارلوس جيميني، بأن «الرئيس بايدن ضعيف وأعداؤنا يعرفون ذلك»، مضيفاً أن سياسة بايدن الخارجية الضالة أدت إلى هجمات ضد الولايات المتحدة؛ «كان ينبغي لبايدن أن يتخذ إجراءات في هذا الصدد قبل ذلك بكثير».

وقال روجر ويكر كبير الجمهوريين في لجنة القوات المسلحة بمجلس الشيوخ الأميركي، في تغريدة له على منصة «X»: «إن إيران وقواتها حاولت ١٦٥ مرة قتل جنود أمريكيين وضرب سفننا الحربية، في حين تهنى إدارة بايدن نفسها على قيامها بمثل هذه العمليات المحدودة».

الخبر

المستجدات الأخيرة عن تطورات المنطقة

في آخر حصيلة لوزارة الصحة الفلسطينية في قطاع غزة، استشهد ما لا يقل عن ٢٧١٣١ فلسطينياً، وأصيب ٦٦٢٨٧ آخرون جراء الغارات الإسرائيلية السافرة منذ السابع من أكتوبر الماضي. بعد ١٢٠ يوماً من العدوان على غزة، و جرائم الحرب للكيان الصهيوني حيث اقترب ١٣ مجزرة خلال ٢٤ ساعة، أعلنت حماس عن مكسبات في المعركة مع العدو الإسرائيلي، كما أعلنت باستهداف عدد مرتفع من جنود الإحتلال خلال ٢٤ ساعة الماضية. وبينما يستمر العدوان الإسرائيلي على غزة، لليوم الـ ١٢٠ على التوالي، فإن سكان غزة المضطهدين يعانون شحاً كبيراً في الغذاء والماء والدواء والوقود، وتقلص عدد المستشفيات والمراكز الطبية العاملة، التي تقدم الخدمات للسكان.

هنية والنخالة يستعرضان التطورات الميدانية والسياسية
في سياق سياسي، أوضحت حركة المقاومة الإسلامية حماس، أنه جرى حديثاً بين رئيس المكتب السياسي للحركة، اسماعيل هنية والأمين العام لحركة الجهاد الإسلامي، زيد النخالة، بشأن التطورات الميدانية والعملية السياسية التي تمر بها الساحة الفلسطينية وخاصة معركة طوفان الأقصى.

فإنه بحسب بيان صادر عن حركة حماس، فقد جرى التشاور بشأن المبادرات لإنهاء العدوان على غزة والتأكيد على أن دراسة المقترح الجديد لوقف إطلاق النار تركز على أساس أن تفضي أي مفاوضات إلى إنهاء العدوان كلياً و خروج جيش الإحتلال من القطاع ورفع الحصار وإعادة غزة بعد نهاية الحرب وإدخال كافة متطلبات الحياة لسكانها، كما أكد الطرفان على صفقة تبادل متكاملة مؤكدين بأنها ستكون بمصلحة الشعب ومصدا حمايته.

واعتبر هنية والنخالة أن صمود الشعب الفلسطيني بطولي فعلاً. و سوف تحقق بسالة المقاومة والإرادة السياسية في معركة طوفان الأقصى ومعاناة الشعب، الحرية والاستقلال لهم.

الجبهة اليمنية

و في الجبهة اليمنية، أعلنت القوات المسلحة اليمنية، استهداف سفينة تجارية أمريكية، في خليج عدن، كانت متجهة إلى موانئ فلسطين المحتلة بصواريخ بحرية أصابتها بشكل مباشر. وافادت «المسيرة» أن القوات المسلحة اليمنية أوضحت في بيان صادر عنها، مساء الأربعاء أن العملية العسكرية النوعية تأتي بعد ساعات فقط من استهداف المدمرة الأمريكية يو إس إس غريفي وإصابتها بشكل مباشر و دقيق.

وحددت تأكيدها على الاستمرار في تقديم الدعم والإسناد للشعب الفلسطيني في قطاع غزة، وذلك بمنع الملاحاة الإسرائيلية أو المتجهة إلى موانئ فلسطين المحتلة في البحرين الأحمر والمتوسط، حتى إيقاف العدوان وإبصال الإمدادات إلى الشعب الفلسطيني في قطاع غزة. وقالت القوات المسلحة: سنواجه التصعيد الأمريكي البريطاني بالتصعيد ولن نتردد في تنفيذ عمليات عسكرية واسعة ونوعية، رداً على أي حماقة، مؤكدة أن كافة السفن الأمريكية والبريطانية في البحرين الأحمر والمتوسط أهداف مشروعة طالما استمر العدوان على فلسطين.

وشددت على أن العملية تأتي انتصاراً لمظلومية الشعب الفلسطيني الذي يتعرض للعدوان الإسرائيلي السافر حتى هذه اللحظة وضمن الرد على العدوان الأمريكي البريطاني على اليمن.

همیشه



IRAN VS JAPAN

تیم ملی ایران با نمایشی عالی در نیمه دوم، ژاپن را شکست داد تا هم به نیمه نهایی برسد و هم بازی نه چندان خوش مقابل سوریه را از اذهان پاک کند

شاخ غول شکست

تیتربک

اعاده حیثیت

ترکیب تیم ملی ایران برای تقابل با ژاپن چند تغییر اساسی نسبت به بازی قبلی داشت. علاوه بر محمدحسین کتغانی که با سسیری کردن محرومیتش به ترکیب اصلی برگشته بود، میلاد محمدی هم در دفاع چپ جانشین کاپیتان تیم احسان حاجصفی شد تا شاید با تکیه بر سرعتش بتواند از تقابل با ژاپنی‌ها سربلند خارج شود. علاوه بر اینها در خط میانی هم امید ابراهیمی و محمد محبی، آواز یکسانی که طی ۲ تعویض عجیب در بازی قبلی درست در لحظه پنالتی سوریه وارد زمین شده بودند، این بار از ابتدا در ترکیب اصلی قرار گرفتند تا مهدی قائدی کاملاً به یک نیمکت نشین تبدیل شود. با این ترکیب جدید، ایران بازی را خوب آغاز کرد و تا دقایقی به نظر می‌رسید ایده خوبی برای خنثی کردن حملات خطرناک ژاپن دارد. ژاپن اگر چه بیشتر از ایران صاحب توپ بود اما تا دقیقه ۲۵ موقعیت خاصی روی دروازه ایران نداشت و در عوض این سفیدپوشان بودند که یکی دو موقعیت نسبتاً خطرناک روی دروازه حریف ایجاد کردند. اما دقیقه ۲۸ خط دفاعی ایران که تا آن لحظه یک موقعیت هم به حریف نداده بود، ناگهان باز شد تا موریتا از بین مدافعان عبور کند و با نخستین شوت داخل چارچوب ژاپن، این تیم را به گل برساند. بعد از گل، روند بازی کمی تغییر کرد. آبی‌پوشان با پرس سستگین در زمین ایران در دقایق زیادی اجازه نمی‌دادند تیم ملی از زمین خودش خارج شود، اما سفیدپوشان هم هر بار از این پرس عبور کردند، نشان دادند گل زدن به ژاپن غیرممکن نیست، سردار آزمون یکی دو بار این دروازه را به خطر انداخت و البته سامان قدوس با یک فسرار زیبا ادامه در صفحه ۱۲ مهم‌ترین موقعیت ایران را ایجاد کرد که ضربه آخرش به خوبی نواخته نشد و از کنار دروازه به بیرون رفت.

سوزه روز

خودشان تحقیر شدند



تیم ملی ایران، ژاپن را شکست داد و با فرستادن مدعی اصلی قهرمانی به خانه، گام بلندی برای رسیدن به دیدار نهایی و جام قهرمانی برداشت. پیروزی ایران مقابل سامورایی‌ها که پیش از شروع جام تقریباً شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسیدند و در دیدارهای دوستانه تیم‌هایی مثل آلمان و ترکیه را گلباران می‌کردند، شوک بزرگ جام را رقم زد و باعث خوشحالی ایران و ایرانی‌ها شد. البته این تمام ماجرا نبوده و نیست؛ چرا که حالا مشخص شده دشمنان مردم ایران که مدت‌هاست خودشان را به خارج از مرزها رسانده‌اند و برای رسانه‌های معاند کار می‌کنند، سخت در انتظار پیروزی ژاپن و تحقیر تیم ملی کشورمان بوده‌اند. برای روشن شدن بیشتر موضوع شاید بهتر است به چند ساعت قبل از شروع بازی ایران و ژاپن برگردیم؛ جایی که مزدک میرزایی بدجور اوج گرفته بود و روی آنتن یکی از همین شبکه‌های معاند، از اختلافات فرهنگی و فوتبالی ۲۳ کشور صحبت می‌کرد. آقای گزارشگر که برنامه‌هایش در جذب مخاطب هیچ موفقیتی نداشته، پیش از شروع بازی طبق معمول تمام تلاشش را کرد تا فوتبال را به مسائل سیاسی ربط بدهد و از عقب‌ماندگی‌های فوتبال ایران در مقایسه با فوتبال ژاپن سخن بگوید. او در مقایسه ایران و ژاپن این جملات را به زبان آورد: «اگر بخواهیم کشور را از نظر اجتماعی و سیاسی مقایسه کنیم، به نتیجه خوبی نمی‌رسیم. یک کشور کاملاً آزاد و پیشرفته که مردمی شاد دارد؛ کشوری که بعد از جنگ جهانی دوم توانست سر بلند کند و الگوی سایر مردم دنیا باشد، مقابل کشوری قرار می‌گیرد که در ۴ دهه گذشته دائماً افول کرده و حکومتی دارد که به همه چیز فکر می‌کند، غیر از مردم خودش؛ کشوری که به فقیرا رفته و مردمش آرزو دارند به ۵۰ سال قبل برگردند. این موضوع در فوتبال ایران هم کاملاً مشخص است. تیمی که آخرین قهرمانی‌اش را سال ۱۹۷۶ به دست آورد و بعد از آن حتی یکبار هم به فینال جام ملت‌های آسیا نرسیده است. ایران در این سال‌ها به خاطر ضعف در مدیریت و مسائل دیگر از جمله اولویت‌های دیگر حکومتی نتوانسته در فوتبال آسیا عنوان قهرمانی به دست بیاورد و حالا آرزوی ما داشتن ورزشگاه‌های کشورهای حوزه خلیج فارس است که برای ما مثل رویا شده.» طبیعتاً گزارشگری که حالا کمتر کسی نامش را هم به یاد می‌آورد، یک نطق بلندبالا هم برای بعد از بازی آماده کرده بود چون ایران را از قبل بازنده می‌دانست، اما ملی‌پوشان فوتبال ایران با یک کامپک جاتانه نشان دادند، حرف‌های زیادی برای گفتن دارند که آنها را در زمین می‌زنند.

بخش زنده	
	لیگ برتر انگلیس
	بور نموت
	۱۷:۳۰
	ناتینگهام فارست
	چلسی
	۱۷:۳۰
	ولور همپتون
	منچستر یونایتد
	۱۷:۳۰
	وستهام
	ار سنال
	۲۰:۰۰
	لیورپول
	لا لیگا اسپانیا
	۱۶:۳۰
	ویارنال
	۱۶:۳۰
	کادیز
	۲۱:۰۰
	رئال بتیس
	۲۱:۰۰
	ختافه
	۲۳:۳۰
	رئال مادرید
	۲۳:۳۰
	اتلتیکو مادرید
	اردیویدسه هلند
	۱۷:۰۰
	آلکار
	۱۷:۰۰
	فاینورد
	بوندلیگا آلمان
	۲۰:۰۰
	لایپزیش
	۲۰:۰۰
	یونیون برلین
	سری آ ایتالیا
	۱۷:۳۰
	ناپولی
	۱۷:۳۰
	هلاس ورونا
	۲۳:۱۵
	اینتر
	۲۳:۱۵
	یوونتوس
	جام ملت‌های آسیا
	۱۳ بهمن ۱۴۰۲
	۱۸:۳۰
	کره جنوبی



اعاده حیثیت

ادامه از صفحه ۹

نیمه دوم اما حکایت دیگری داشت. شاید حتی خوش بین ترین هواداران تبسم ملی هم توقع تحول مثبت تا این حد و اندازه را نداشتند. تیمی که در نیمه اول به سختی می توانست مالکیت توپ را از زاین بگیرد، در نیمه دوم تغییر تاکتیک داد و با بازی مستقیم و توپ های بلند به خوبی حریف را تحت فشار قرار داد. هنوز ۱۰ دقیقه از این نیمه نگذشته بود که پاس عالی سردار آزمون و ضربه دقیق محمد محبی بازی را به تساوی کشاند. این گل در بهترین دقایق بازی زده شد و ایران را از لحاظ روحی هم بالا کشید تا ایده های عالی اش را برای نیمه دوم بهتر و دقیق تر در زمین پیاده کند. با این روند، زاینی ها در زمین خودشان زمینگیر شدند و در نیمه دوم هرگز نتوانستند از زیر فشار ایران خارج شوند. بعد از گل مساوی، سفیدپوشان ایران بارها و بارها موقعیت گلزنی ایجاد کردند و هر لحظه احتمال گل برتری می رفت اما این اتفاق تا دقیقه پایانی به تأخیر افتاد تا تیم ملی در دراماتیک ترین شکل ممکن بر حریف پیروز شود.

در دقیقه ۶۳ سردار آزمون پشت مدافعان زاین صاحب توپ شد و با تسلط عالی و دریبل ۲ مدافع زاین دروازه این تیم را باز کرد اما گل زیبای او با بدشانسی مطلق و باختلافی چند سانتی متری آفساید گرفته شد. دقیقه ۶۷ ضربه سر محبی به تور کنار دروازه برخورد کرد. در دقیقه ۷۳ سردار آزمون یکبار دیگر تا آستانه



جدول اعداد | ۴۶۹۴

۷			۴
۲	۷	۵	۳
۴	۱		۲
	۷	۶	۸
		۸	۹
۱	۳		۵
۵		۴	۶
		۸	۹

سخت

	۲		۵	۹
	۷	۸		
		۱	۴	۶
۲			۳	
۶		۵		۱
	۸			۴
۵		۹	۷	
		۶	۲	
	۷	۴	۵	

متوسط

۴	۵	۸			
		۷	۵	۱	
	۶		۷	۸	
			۵	۹	۲
۸			۹	۷	۴
			۳	۲	۵
			۱	۶	۳
				۷	۴
					۱

سخت

جدول ۹۰۲۱

افقی:

- ۱- زادگاه و محل تولد ستاره ها - غمگین - رسوم و باورهای پذیرفته شده جامعه
- ۲- امته ها - کشتزار برنج - واحد پول اتیوپی
- ۳- کمترین مقدار - گندم آسیاب شده - زمین آماده کشت
- ۴- تکرار حرفی - مرکز استان شیراک در شمال ارمنستان - شریک جرم
- ۵- قانون مغولان - بسیار کهنه و غیرقابل استفاده - گیشه بلیت فروشی
- ۶- خطایی در فوتبال - زمزمه کننده
- ۷- اهل نیست - انبوه - ضمیری عربی
- ۸- شوم - شتاب و تعجیل - مزه - بلندترین نقطه
- ۹- مفقود - عصاره لیموترش - شهری در فارس
- ۱۰- نوعی فسرورده قندی سرخ کردنی - نامی برای بلبل
- ۱۱- اسب سرخ - بدون تردید و قطعاً - ادب موختن
- ۱۲- مرحبا - خار پشت استرالیایی - ضمیر جمع
- ۱۳- زهر آبی - جزئی از

عمودی:

- ۱- جادوگر قوم بنی اسرائیل - عیب و عار - گیاهی خودرو با مصرف دارویی
- ۲- زن سرخ رو - نویسنده ایرانی مجموعه داستان زائری زیرباران
- ۳- بی خطر - تشکر - نوعی لوح فشرده
- ۴- بی همتا - گیرنده امواج تلویزیونی
- ۵- سبزه تیره - نشانه های نوشتاری - حرکت و جنبش
- ۶- دارایی ها - مخترع پیل الکتریکی - سرزمین بلقیس
- ۷- گل بتونه - جیره و مقرری - دایره المعارف فرانسوی
- ۸- نهیب - بردگی - سوراخ سوراخ - از گیاهان تک لپه ای
- ۹- جمع مزیت - سرده مزاج
- ۱۰- نیم صدای دراز گوش - پسوندد شباهت - و ضروری

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون ها و مربع های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود. پاسخ ها در ادامه آمده است.

جدول اعداد | ۴۶۹۴

سخت

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

متوسط

۴	۵	۸						
		۷	۵	۱				
	۶		۷	۸				
			۵	۹	۲			
۸			۹	۷	۴			۳
			۳	۲	۵			
			۱	۶	۳			
				۷	۴			

سخت

حریص، طمعکار - هدف ها

۱۱- میت - بخش پایانی مقاله شجاع

۱۲- سخت و شدید - پایان و آخر

۱۳- نام قدیم شهر آبادان - آخرین حرف الفبای یونانی - از شمادور یاد

۱۴- مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده دارد - نوعی شیپور

۱۵- سدره نشین - نشاط - لازم و ضروری

۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱

۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱

۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱

عکس ها: AFC، بهمن، ناوودی، محمد انصاری



همشهاری

تسنه‌نگار



خدمات شهرداری در شب عمدتاً به حوزه‌های ترافیکی، عمرانی و فرهنگی-اجتماعی اختصاص دارد



عمده تخلیفات شب‌های تهران مربوط به تخلیه نخاله‌ها و سرقت برخی از امان‌های شهری است

تهران خواب ندارد

همشهاری در گفت‌وگو با شهردار شب پایتخت، فعالیت‌های شبانه شهر را بررسی کرده است

مدیران شهری نسبت به ادعای عملکرد سیستم پل معروف به B9 واکنش نشان دادند
پل ضد برف، روسفید شد
 هیچ سانحه‌ای از لیز خوردگی و تصادف وسایل نقلیه روی این پل گزارش نشده است

روز گذشته در نود و پنجمین پویش امیدوافتخار فاز دوم یاور شهر ۹ با ظرفیت ۲۵۰۰ نفر به بهره‌برداری رسید

افتتاح مدرن‌ترین مرکز ساماندهی معتادان

جرئیاتی از ۹ یاور شهر	ظرفیت فاز اول ۱۵۰۰ نفر	ظرفیت فاز دوم ۲۵۰۰ نفر	مساحت مترمربع ۳۰۰۰
-----------------------	------------------------	------------------------	--------------------

شهردار تهران از تلاش برای بسته شدن پرونده مافیای زباله‌گردی خبر داد
بر خورد با خریداران ضایعات
 تشریح اقدامات شهرداری برای مقابله با مافیای زباله‌گردی در تهران

گزارش تصویری

پایانه شرق در آستانه بهره‌برداری

علیرضا زاکانی، شهردار تهران دیروز (۴ بهمن) از پایانه جدید شرق بازدید کرد و در جریان آخرین وضعیت این پروژه قرار گرفت. پایانه جدید شرق، نخستین پایانه هوشمند است که در دوره گذشته با ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی راه‌اندازی شد و در این دوره با اهتمام مدیریت شهری فعال شده و فاز اول آن به‌زودی افتتاح می‌شود.

نگاه

زهره شمس احسان: رئیس کمیته ورزش شورای شهر تهران

لزوم مشارکت شهروندان در ورزش همگانی

ورزش به‌عنوان راه‌حل راهبردی و ورزش همگانی به‌عنوان وسیله‌ای ارزان قیمت و فرحبخش، می‌تواند مشکلات متعدد جسمی، روانی و اجتماعی را به نحو مطلوب حل کند. در مدیریت شهری تهران، ورزش شهروندی در ۴ بعد کلان، پیگیری و اجرایی شده است.

- ارائه خدمات ورزشی به شهروندان در مجموعه‌های ورزشی تحت پوشش شهرداری تهران**: حدود ۴۰۰ مجموعه و سالن ورزشی در سطح مناطق ۲۲گانه شهر تهران توسط شهرداری تهران احداث شده که در حال ارائه خدمات تفریحی و آموزشی به شهروندان تهرانی هستند.
- توسعه زیرساخت‌های ورزشی در فضاهای عمومی شهر تهران**: در این راستا تقریباً در تمامی بوستان‌های شهر تهران وسایل ورزشی بدنسازی پارکی و میزهای تنیس روی میز تعبیه شده و ایستگاه‌های ورزشی، در ۲ بخش بانوان و آقایان در حال فعالیت هستند.
- احداث و توسعه فضاهای ورزشی روباز**: در حال حاضر حدود ۵۰۰ زمین چمن فوتسال مصنوعی و طبیعی در سطح شهر تهران در حال ارائه خدمات به شهروندان هستند و فضاهای ورزشی دیگری مانند زمین‌های اسکیت، تنیس، تنیس روی میز و والیبال و بسکتبال و... در سطح شهر ایجاد شده که علاقه‌مندان به این رشته‌های ورزشی نیز از این فضاها استفاده می‌کنند.
- برگزاری رقابت‌های ورزشی در سطح محلات و برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های تفریحی و ورزشی**: یکی از اقدامات مستمر و قابل توجهی که شهرداری تهران در حوزه ورزش انجام می‌دهد، برگزاری رقابت‌های ورزشی در سطح محلات است که در برنامه‌های سالانه خود پیش‌بینی و اجرا می‌کند و هزاران نفر از شهروندان در این برنامه‌ها حضور پیدا می‌کنند. این امر سبب ایجاد شور و نشاط و ارتقای سطح سلامت شهروندان می‌شود. این مسابقات که در ۲ سال گذشته، تحت عنوان قهرمان شهر برگزار شد، در راستای توسعه ورزش محلات، هویت‌بخشی به محلات و ایجاد رقابت سالم بین محله‌های شهر تهران و مناطق ۲۲گانه است و با این بهانه، مشارکت شهروندان در ورزش همگانی افزایش می‌یابد و شهروندان بیشتری جذب فعالیت‌ها و برنامه‌های ورزشی می‌شوند.

بی‌شک این مسابقات باید به‌صورت لیگ محلی برگزار شود و قهرمانان محلی در هر رشته ورزشی، به ساکنان آن محله معرفی شوند و این کار، ضمن هویت‌بخشی به محلات، با معرفی الگوهای مناسب ورزشی به سایر نوجوانان و جوانان ساکن در آن محله، سبک و روش زندگی آنان را نیز تغییر می‌دهد و حس پهلوانی و قهرمانی که در این افراد به‌وجود می‌آید، مسیر زندگی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده و مانع از بروز آسیب‌های اجتماعی در این افراد می‌شود.

با برگزاری رقابت‌های ورزشی محلات، هزاران قهرمان ورزشی در ۲۲ محله شهر تهران در چند رشته ورزشی به مردم معرفی می‌شوند که سرمایه‌های معنوی شهر خواهند شد و علاوه بر توسعه بعد جسمانی، این افراد در بعد روحی و روانی نیز رشد خواهند کرد. شهرداری تهران باید با برنامه‌ریزی مناسب و با تعریف فرایندهای اجرایی کارشناسی شده، همه ظرفیت‌های ورزشی شهر تهران از جمله ظرفیت‌های موجود در انجمن‌ها و هیأت‌های ورزشی شهر تهران و ادارات آموزش و پرورش شهر تهران را به‌کار گیرد و تعامل مناسبی بین دستگاه‌های مختلف در جهت اجرای بهتر این رقابت‌ها برقرار کند.

کمیته ورزش شورای اسلامی شهر تهران همچون ۲۳ سال گذشته، حمایت‌های لازم در زمینه تأمین اعتبارات موردنیاز و همچنین ایجاد تعامل و همکاری بین دستگاه‌های متولی ورزش شهر تهران را فراهم می‌کند تا ان‌شاءالله این رقابت‌ها و سایر برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی در شهر تهران به نحو احسن اجرایی شود و بديهی است نظارت مستمر خود را در راستای اجرای مطلوب این رقابت‌ها به‌عمل خواهد آورد.

داده‌نما

مهدی اسماعیل پور: روزنامه‌نگار

علی حسینی: گرافیسیت

تخلیفات حادثه‌ساز پرشمار تهرانی‌ها!

بسیاری از افراد رانندگی در شهر تهران را به‌دلیل رفتارهای ترافیکی پرخطر بعضی از رانندگان خودروها و موتورسیکلت‌ها کاری سخت، پرخطر و اعصاب‌خردکن می‌دانند؛ به‌ویژه برای آنهایی که تلاش می‌کنند قانونمدار باشند. اگر از تخلیفات و اشتهاباهات ساده و کوچک از قبیل عدم رعایت حق تقدم، پارک دوبل، توقف در محل ممنوع و... بگذریم، آمار ارائه شده از سوی پلیس راهور نشان می‌دهد که در ۱۰ ماه سپری‌شده از سال ۱۴۰۲ رانندگان تهرانی بالغ بر ۶۰۱ هزار مورد به‌دلیل انجام تخلیفات رانندگی پرخطر جریمه شده‌اند. رایحه جوانبخت، رئیس اداره تخلیفات پلیس راهور تهران بزرگ با بیان اینکه چنین آماري واقعا بالااست، از رانندگان تهرانی می‌خواهد تا قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را بیشتر رعایت کنند.

آمار تخلیفات تهرانی‌ها

تخلیفات تحریف	۱۶۰۰ فقره
حرکت نامنوبی	۲۳۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۱۲۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۱۵۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۳۰۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۱۳۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۴۰۰۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۱۳۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۱۴۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۵۰۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۷۰۰۰۰ فقره
تخلیفات تحریف	۶۰۱۰۰۰ فقره

یادداشت

سید مهدی صباغ: شهردار منطقه یک

بازگشت بیش از ۴ هزار میلیارد تومان به بیت المال

درآمد شهرداری منطقه یک با آغاز نهضت اجاره‌داری و شناسایی ظرفیت‌های بلااستفاده در فضاهای بی‌دفاع شهری و تبدیل آنها به مکان‌های مورد استفاده شهروندان، تا پایان سال به رشد ۱۰ برابری خواهد رسید. تمامی نواحی دهگانه منطقه موظف به شناسایی و برداشت املاک بلا استفاده داخل بوستان‌ها، بوغه‌ها و نقاط بی‌دفاع شهری در زیر پل‌ها، لچکی‌ها و... جهت ساماندهی و ایجاد ظرفیت برای ایجاد مشاغل کوچک مقیاس مانند راه‌اندازی کیوسک‌های گل‌فروشی، خدمات محله و... هستند تا آنها را به شهروندان تحویل دهند.

در ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۱ در بخش اجاره‌داری تنها ۵ قرارداد در منطقه به ارزش ۵/۵ میلیارد تومان بسته شد که این موضوع در مدت مشابه سال ۱۴۰۲ به ۱۵ قرارداد و ارزش ۱۷ میلیارد تومان رسید. با اقدامات در حال اجرا، تا پایان سال این درآمد به ۵۰ میلیارد تومان یعنی به رشد ۱۰ برابری نسبت به سال گذشته می‌رسد. در همین راستا، پس از ۱۰ سال، پلاک شهری که در ضلع جنوبی سورنم گلابدره قرار داشت، توسط مدیریت شهری منطقه رفع تصرف و در اختیار شهروندان قرار گرفت. در این پلاک افراد متخلف با ایجاد فضای بی‌دفاع شهری اقدام به دیوای ماشین‌های فرسوده، استقرار گیت ورود و خروج، دریافت وجه نامتعارف از شهروندان و کوهوردان می‌کردند. همچنین عدم نظافت شهری مناسب در این پلاک باعث نارضایتی اهالی محل شده بود.

برای بازپس‌گیری این املاک شهرداری نیاز به حکم قضایی بود که برای این منظور باید ابتدا مشکل اسناد حل می‌شد. با پیگیری‌های انجام‌شده پس از اخذ سند، موضوع از طریق مراجع قضایی پیگیری و حکم قضایی اخذ شد.

پیش از این هم ملک متعلق به شهرداری منطقه یک با مساحت ۷ هزار و ۷۷۵ مترمربع که در تصرف افراد سودجو در محله گلابدره قرار داشت، در راستای مبارزه با زمین‌خواری و احقاق حقوق عمومی رفع تصرف شده و در اختیار مردم قرار گرفته بود.

ملک پلاک ثبتی ۱/۱۱۵۸ واقع در امامزاده قاسم، خیابان گلابدره، خیابان زبردست، خیابان وزیری (موسوم به باغ وزیری) به مساحت ۱۵ هزار و ۷۷۵ مترمربع عرصه که در سال ۱۳۹۰ توسط شهرداری منطقه یک تهران تملک شده بود، حدود ۷ سال در تصرف افرادی سودجو قرار داشت که بدون انعقاد هیچ گونه قراردادی با شهرداری و بدون پرداخت اجاره، زمین مذکور را به پارکینگ عمومی تبدیل کرده بودند و حق عموم مردم تضییع می‌شد.

با توجه به نیاز مردم به پارکینگ عمومی این ملک، پس از برگزاری تشریفات اداری و از طریق مزایده دوباره به اقدام پارکینگ عمومی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. برخلاف گذشته که با توجه به کمبود فضای پارک از مردم مطالبه سنگین و نامتعارف دریافت می‌شد، تعرفه پارکینگ بر اساس مصوبه شورای اسلامی شهر تهران خواهد بود. همچنین فضای موجود با نصب گیت ورود و خروج، نصب حصار، خط‌کشی و... به یک پارکینگ مناسب و ایمن تبدیل خواهد شد.

در این دوره از مدیریت جدید شهری، شهرداری منطقه در مجموع نسبت به شناسایی و آزادسازی ۴۵ پلاک به مساحت کل عرصه ۳۹ هزار و ۷۴۱ مترمربع و اعیان ۷ هزار و ۴۲۳ مترمربع اقدام کرده است که متعلق به شهرداری تهران بوده و توسط اشخاص متخلف مورد استفاده غیر قانونی قرار گرفته بود. در نتیجه این اقدام، املاک مسکونی، تجاری، زمین و... در مجموع به ارزش بیش از ۴ هزار میلیارد تومان به بیت المال بازگردانده شد.



یادداشتی از خسرو دهقان

این جشنواره از کجا وارد زندگی ما شد؟



فیلم‌های فوتبالی
اینجا جای
چپ‌زدن نیست

دوران تازه‌رادان

آیا بهرام رادان با بازی در فیلم صبحانه با زرافه، مسیر دیگری در بازیگری پیش گرفته است؟

این جشنواره از کجا وارد زندگی ما شد؟



خسرو دهقان

۱) مثل هر پدیده دیگری جشنواره فجر هم در معرض قضاوت کارشناسان و عموم مردم قرار دارد. ممکن است کسی از فلان داوری خوشش بیاید یا نیاید یا فلان فیلم را بیسندد یا نه پسندد. مردم، منتقدان و کلا هر مخاطبی حق دارد در مورد جزئیات جشنواره قضاوت و داوری کند. ولی به نظر من تفاوت خیلی بنیادین و جدی بین جشنواره‌های فجر وجود ندارد. من یک نگاه را به جشنواره فجر دارم از اوایل دهه ۶۰ تا امروز و فرادها.

۲) جشنواره فجر در دوره‌های مختلف با سلیقه‌های مختلف دبیران و مدیران مختلفش برگزار شده. در دولت‌های مختلف با وزرایی که هر کدام سلیقه و نگاه خودشان را داشتند بر پا شده، ولی به نظر من این رفت‌وآمد دولت‌ها و دبیران تأثیر بنیادینی بر جشنواره فجر نداشته. بعضی‌ها خیلی علاقه‌مندند که بگویند امسال نسبت به پارسال ترکیب داوران بهتر یا بدتر بود. انتخاب فیلم‌ها نسبت به دوره قبلی مناسب‌تر بود یا برعکس می‌شد انتخاب‌های شایسته‌تری داشت. این طور صحبت‌ها همیشه درباره جشنواره فجر وجود داشته ولی به نظر من اینها خیلی مهم نیست. جشنواره فجر از یک روز شروع شده، با فراز و فرودهایش به زندگی‌اش ادامه داده و به‌رغم همه سلیقه‌ها و کم و کاستی‌ها و غیره همچنان به مسیرش ادامه می‌دهد.

۳) سینمای ایران با همه ابعاد و دست‌بندی‌های مختلفی که برایش در نظر بگیریم، از سینمای رسمی و فیلم زیرزمینی و غیره که واردش نمی‌شویم، به عنوان یک کلیت یک جایگاهی در سراسر جهان دارد. یعنی هر جشنواره جدی و مهمی در جهان دوست دارد در قفسه‌اش محصولی از سینمای ایران را هم داشته باشد. مثل یک سوپرمارکتی که صاحبش دوست دارد یک قفسه‌اش را هم به یک محصولی اختصاص دهد، آن سوپرمارکت، آن جشنواره یک قفسه‌اش را اختصاص داده به سینمای ایران. یعنی سینمای ایران مد روز هر جشنواره‌ای است. فارغ از اینکه آن فیلم خوب باشد یا بد، ما بیسندیم یا نه پسندیم، مشکلاتی داشته باشد یا نه، مسائل سیاسی داشته باشد یا نه، مجوز داشته باشد یا نداشته باشد، که ما وارد این بحث‌ها نمی‌شویم، به‌صورت کلی، سینمای ایران در جهان صاحب حرمت و جایگاهی است. نه شهر یا کشور خاصی، نه راست و نه چپ، نه میانه و نه بالا و نه پایین. به‌صورت کلی مادر جهان و جشنواره‌های سینمایی جهان صاحب کرسی هستیم.

۴) در حال حاضر تعداد جشنواره‌هایی که در جهان برگزار می‌شود بسیار زیاد است. به‌طوری که شما شاید هیچ کشور و شهری را در جهان نمی‌توانید سراغ بگیرید که جشنواره نداشته باشد. از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب، از قاره آسیا تا آفریقا، از آمریکای لاتین تا اروپا همه‌جا جشنواره وجود دارد؛ طوری که جشنواره تبدیل به بخشی از زندگی شده و انقدر زیاد شده که دیگر نمی‌شود تعدادش را بشمارد. اگر قرار باشد که ما شرح مختصری از هر جشنواره بنویسیم، در یک صفحه و یک عکس هم برایش بگذاریم حاصلش چندین و چند جلد کتاب قطور چهارصد، پانصد صفحه‌ای می‌شود؛ کتاب‌هایی که فقط بتواند جشنواره‌ها را در سطح جهان معرفی کند. مثلاً در کره جنوبی در هر شهرش جشنواره‌های مختلف وجود دارد و نام خیلی‌هایش اصلاً به گوش ما نرسیده است. اینها نشان‌دهنده اهمیت، نقش و جایگاه جشنواره‌های سینمایی است و اینکه جشنواره بخشی از زندگی روزمره ما شده است.



درباره سروش صحت که صبحانه با زرافه‌ها را در جشنواره امسال دارد

دیوانه وار

ناهدید پیشور

۱) بازیگر و نویسنده آیت‌های طنز مهران مدیری، با کارنامه‌ای پر و پیمان و متنوع، یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌سازان تلویزیون، سینما و شبکه‌های نمایش خانگی دهه اخیر بوده است. سروش صحت با نوشتن و بازیگری توامان وارد صحنه شد و به مرور و با استمرار و تلاش مداوم صندلی خودش را یافت. کارنامه مفصل تلویزیونی‌اش، محصول آزمون و خطاهای بسیار و کسب تجربیاتی است که او را به جایگاه امروز رسانده است. کارگردان ۵۸ساله‌ای که در طول ۳دهه خودش را مدام در معرض قضاوت عمومی قرار داد و با گذر از ۵۰سالگی سبک و سیاق دلخواهش را یافت و صاحب امضایی شد که هم در نخستین ساخته‌اش «جهان با من برقص» مشهود است و هم در سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره». جور دیگری فیلم و سریال ساختن و یافتن سبک شخصی‌ای که در عین حال مخاطب هم داشته باشد، محصول سال‌های طولانی نوشتن و بازیگری و کارگردانی است. سروش صحت هنوز هم به‌عنوان بازیگر در فیلم‌های دیگران حاضر می‌شود. (در جشنواره امسال به‌عنوان بازیگر، فیلم «بی‌بدن» را هم دارد). همچنان فیلمنامه می‌نویسد و در صنعت فیلم و سریال حضور دارد. صحت با دومین ساخته بلند سینمایی‌اش به جشنواره امسال آمده که نام عجیبی دارد و احتمالاً فیلم عجیب و غریبی هم هست. «صبحانه با زرافه‌ها» یکی از فیلم‌های مهم فجر چهل و دوم است و خیلی‌ها به تماشایش خواهند نشست.

۳

۲) این داستانی است که باید از انتها روایتش کرد؛ از «صبحانه با زرافه‌ها» که پرزایگرترین فیلم جشنواره امسال هم هست. بهرام رادان، هادی حجازی فر، هوتن شکیبا، پژمان جمشیدی و بیژن بنفشه خواه، ترکیب جالب توجهی را شکل داده‌اند که با هدایت سروش صحت، احتمالاً باید منتظر یک غافلگیری دیگر از جنس «جهان با من برقص» و «مگه تموم عمر چند تا بهاره» باشیم. یک کمدی متفاوت و دیوانه‌وار انتظاری است که از کارگردان «صبحانه با زرافه‌ها» می‌رود؛ فیلمی پرماجرا و پر از قصه‌های فرعی و شخصیت‌هایی که می‌آیند و می‌روند و تأثیر خود را بر اثر به‌جا می‌گذارند. این فیلمی است که در نهایت برای تماشاگر ساخته شده است. فیلمی که بهرام رادان را دارد که یک تجربه ناکام (بی‌پولی) و یک آزمون موفقیت آمیز (بارکد) را در زمینه حضور در فیلم‌های کمدی در کارنامه دارد. پژمان جمشیدی که نقشش در فیلم تازه صحت کوتاه است، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران این سال‌های سینمای ایران در فیلم حاضر است و هوتن شکیبا ستاره سریال پرپیننده سروش صحت (لیسانسه‌ها) هم با تجربه‌ای بیشتر مقابل دوربین صحت رفته است. بازی هادی حجازی فر احتمالاً یکی از غافلگیری‌های فیلم تازه صحت خواهد بود.

۳) فانتزی و روپاردازی و غافلگیری؛ سروش صحت با همین ابزار کارش را پیش می‌برد. چند کار اخیر صحت محبوب منتقدان و تماشاگران طبقه متوسط بوده‌اند. نه سریال‌ش در شبکه نمایش خانگی عامه پسند بوده و نه فیلم سینمایی‌اش. ترکاندن گیشه و شکستن رکورد ببیننده، تا امروز مسئله سروش صحت نبوده. باید دید «صبحانه با زرافه‌ها» چه طعمی دارد.



سینمای خوش اقبال



شاپور عظیمی

سینمای ژاپن در دیار ما همواره خوش اقبال بوده است. به شهادت جزوهای در مورد سینمای ژاپن که پرویز دوایی ترجمه کرده بود، این سینما در جشنواره‌های سینمایی پیش از انقلاب خواستارانی داشت. تلویزیون نیز در دهه ۶۰ شماری از آثار سینمای ژاپن را به نمایش گذاشت و تماشاگران را با کارگردان‌های سرشناسی مانند کوروساوا آشنا کرد. بعدها کارگردان‌های دیگری از راه رسیدند که نامشان برای تماشاگر چندان آشنا نبود و گرنه آنها در سینمای جهان سرشناس بودند. ماساکی کوبایاشی با آن «کوبایدان» ترسناکش، یاساجیرو آزو با «داستان تویکیو» لطیف اما ناراحت کننده‌اش (چون ما را به یاد خودمان می‌انداخت) کنجی میزوگوشی با «سانشوی مباحشر» که داستانی پر آب چشم بود.

در دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر نیز آثار گوناگونی از سینمای ژاپن به نمایش درآمدند. بزرگداشت ازو با نمایش چند فیلم به زبان فصیح ژاپنی و بدون هیچ زیرنویسی همراه بود و آثاری مهجور مانند «در اعماق» که آن را تا به آخر و بدون زیرنویس تماشا کردیم. به یاد فرانسوا تروفو و رفقایش که زبان نمی‌دانستند اما فیلم‌های آمریکایی را تار تار با آبروی تماشا می‌کردند!



تماشای فیلم‌های خارجی در جشنواره فیلم فجر، در واقع حکم معارفه با آن آثار را داشت. تازه، بعد از جشنواره، کفش و کلاه می‌کردیم تا فیلم‌ها را پیدا کنیم. گاهی اگر اقبال بلندی داشتیم، ممکن بود مانند «صبح بخیر» ازو، یا «دستمال زرد» از یوجی یامادا آنها را ناگهان از تلویزیون ببینیم. در مقایسه با امروز که با یک کلیک هر فیلمی را که خواهیم دانلود می‌شود و تماشا می‌کنیم، در دهه گذشته ما فی الواقع شاخ غول را می‌شکستیم، چرا که مثلاً آثار میزوگوشی را که خیلی سخت پیدا می‌شدند، پیدا می‌کردیم و هر وقت «فیلمی» سراغ ما می‌آمد، می‌دانست در سامسونت شیک و پیک او حتماً باید چند تا فیلم ژاپنی وجود داشته باشد تا لبخند رضایت ما را ببیند. به هر حال سینمای ژاپن هرگز دست از سرمان برنداشت.



نمایی از فیلم «بارکده»، ساخته مصطفی کیایی

آیا بهرام رادان بازی در فیلم صبحانه با زرافه مسیر دیگری در بازیگری پیش گرفته است؟ دوران تازه رادان

علیرضا محمودی

توفانی به راه افتاده بود. از پیشخوان شلوغ دهه‌های مطبوعاتی چشمه آب حیات می‌جوشید. خبر هادر معبر بیادمر وها منتشر و در صورت عابرن منعکس می‌شد. هفته‌نامه‌های دونبش ده‌ها را تسخیر کرده بودند. آنها چیزی نبودند جز تلاقی پدیده‌ها در چهره ستاره‌ها. عنوان حرفه‌ای اش چهره و خبر. عنوان مردمی اش فوتبال و سینما. صورت‌ها و کلمه‌ها در تابستان داغ آخرین سال دهه ۷۰ برای نخستین بار دیده شد. در میان تیتراژهای بی‌عکس رفتن یک خواننده بی‌صدا با کارگردان برصدا. چهره او در میان تیتراژهای بی‌عکس بهانه جنجالی شدن هفته‌نامه‌هایی شد که دبیران شان برای خبرهای اصلی یا عکس مناسبی نداشتند یا جسارت کافی. سیاست اکران دفتر یخشی در خیابان اوبریحان در تقاطع اتفاقات و شباهت‌ها کار خودش را کرد. یکی رفته بود و یکی داشت می‌آمد. در طلایع نخستین سال دهه ۸۰ پسری با چشمان آبی اکران شهرستان را آتش زده بود. خبر این بود: «شور عشق در راه پایتخت».

دو دهه پیش به تصویری از خود اختصاص بدهد. اما یک دهه بعد تلاش او مانند کسی شد که قصد دارد میدان را به راحتی خالی نکند. همه می‌دانند که رادان نخستین بازیگری است که رسمی و علنی با مشورت یک روزنامه‌نگار نقش‌هایش را انتخاب می‌کند. تفاهمی که نشان از درک عمیق تری از حرفه بی‌ثبات بازیگری است. نتیجه این مشورت آینده‌نگری بود که در علی سنتوری نبود. فواره وقتی برمی‌گردد نباید حسرت بالا رفتن را بخورد. دهه ۹۰ برای رادان دهه انتخاب‌هایی بود که او را در بازی نگه دارد. کسی که علی را در سنتوری و ایرج را در بی‌پولی بازی کرده بود، حالا شبیه علی رنجه باید برای حفظ داشته‌هایش تلاش می‌کرد.

بهرام رادان دهه ۹۰ را در یخبندان نقشی گذراند که او را دوباره به جایی برگرداند که در اختتامیه جشنواره فجر سیمرغ را روی زمین گذاشت تا عقده دل باز کند. او در بهترین دستاوردش بارکده مصطفی کیایی را رقم زد. هیجان انگیزی از جنس فیلم‌های استاندارد که در بهترین سرنوشت سیمرغ مردمی را به نام می‌زنند و به مورخان سینمای ایران نمونه‌ای موفق از فیلم‌های مبتنی بر فلاش‌بک را یادآوری می‌کند

بهرام رادان در تمام سال‌های دهه ۸۰ ستاره نسلی شد که نوبتش رسیده بود که از روزگار سیلی بخورد. بهترین‌های رادان بهترین‌های دوران بود. فیلم‌هایی که قصه‌شان قرار بود تلخ‌تر از شوکران باشد. گریه هدیه تهرانی در بزرگراه تهران-زنجان و بهت عرب‌نیا در پمپ بنزین قیدار دیگر جواب نمی‌داد. تراژدی باید در مرز رقم می‌خورد، در منتهای خاک خودی. در جایی که ستاره دهه ۶۰ تکرار می‌کرد: «بکش تو خاک خودمون» و جوان عاصی اسلحه را به شقیقه مأمور بیگانه می‌چسباند تا بگذارد آخرین آوازش شنیده شود: «بگذارید عشق بورزم».

با چنین مهابتی که از تولیدکنندگان ساکن در ساختمان آلومینیوم بعید بود، بهرام رادان سرنوشت هنری خود را رقم زد. او در موفق‌ترین شکل تجسم شکست و در عالی‌ترین پایان نماد نرسیدن شد. روزگاری که شروعش با راز زرد و پایانش با آدمکش رقم خورد. اما اتفاق بزرگ جور دیگری رقم خورد. همه می‌دانستند که داریوش مهرجویی سنتور می‌نوازد، اما نمی‌دانستند که بلد است دوران را با کنار هم گذاشتن چیزهای بی‌ربط نقطه‌گذاری کند. او که در دهه ۶۰ با جور کردن خسرو شکیبایی و بیتا فرهی بازی را برده بود با کنار هم گذاشتن لیلا حاتمی و علی مصفا دهه ۷۰ را به دست گرفت و در میانه دهه بعد آخرین جفت برگ برنده‌اش را روی میز گذاشت: چینش صورت رادان و صدای چاووشی؛ بهترین بسته برای روح دادن به زمانه. کاری که فقط از کسی برمی‌آمد که بلد بود این دیالوگ را بنویسد: «چرا آدمی در اوج تمنا نمی‌خواهد.» سنتوری همین بود. تمنایی که در اوج هدر می‌رفت. نیازی که در خلأ خالی می‌شد و انتهایی که از آزادراه و مرز رد می‌شد. بی‌انتها. بی‌پایان. بی‌سرانجام. هیچ‌کس نمی‌دانست چه چیزی رو به زوال است.

سرنوشت فیلم سنتوری مطابق با سرنوشت شخصیت سنتوری رقم خورد. مطابق با مضمون ترانه‌هایی که برای مصرف در هزارچم و متل قو توصیه می‌شد. رادان با همه استعدادی که در تجسم انسانی شمعی در باد داشت سنتوری را خلق کرد. او توانست ستاره‌ای باشد برای همدلی با لحظه‌ای که باید شکست را پذیرفت و دست را باز کرد تا نتیجه تزیق در درگ جاری و بازی خون و مخدر در مغز مغلوبه شود. بهرام رادان در عالی‌ترین شکل خود توانست حافظه سینمای ایران را در

رادان در بهترین دستاوردش بارکده مصطفی کیایی را رقم زد. هیجان انگیزی از جنس فیلم‌های استاندارد که در بهترین سرنوشت سیمرغ مردمی را به نام می‌زنند و به مورخان سینمای ایران نمونه‌ای موفق از فیلم‌های مبتنی بر فلاش‌بک را یادآوری می‌کند

مخاطب هدف؛
حلقه گمشده



تا همین چند سال پیش تقریباً طبقه بندی ژانر و قالب و مخاطب شناسی فیلم های تولید شده در طول سال مشخص بود و می شد تمام محصولات یک سال سینمای ایران را در چند دسته مشخص جای داد. هر فیلمی که ساخته می شد مخاطب هدف مشخص و معلومی داشت که از ابتدا تمام مراحل پردازش اثر، از انتخاب ایده و پرورش طرح و نگارش فیلمنامه تا گزینش بازیگران و طراحی تولید و حتی تبلیغات و پوستر و سردر سینماها بر اساس همان هدف گذاری اولیه پیش می رفت. فیلمی که به قصد موفقیت تجاری و جذب مخاطب عام ساخته می شد سوپرستارهای گران قیمت و قصه های پر آب و تاب و موسیقی سوزناک داشت و فیلمی که به قصد موفقیت در جشنواره ها و محافل جدی سینمایی ساخته می شد روی کارگردانی و جوه فنی و فیلمبرداری و مضمون و ساختار شمرکز و تأکید بیشتری صورت می گرفت. ولی این روزها به نظر می رسد همه مرزها و قالب های شناخته شده به هم ریخته اند و فیلم ها به نوعی فله ای تولید می شوند.

یکی از ویژگی های جشنواره فجر امسال همین بلا تکلیف بودن فیلم ها و روشن نبودن هدف و رویکرد سازندگان شان است. فیلمی که برای مخاطب خاص یا حتی خیلی خاص ساخته شده و هر پلان ساده اش ۵ دقیقه کش می آید، سوپرستار میلیاردی را گریم کرده و در نقش اصلی نشانده در حالی که اصلاً نیازی به چنین هزینه هایی برای چنین فیلمی با چنین هدف و رویکردی نبود. فیلم دیگری که برای مخاطب عام ساخته شده چند نابازیگر و چهره گمنام تئاتری را در نقش های اصلی جا داده و هر چند دقیقه هم یک سکانس تزئینی لای کار گذاشته که معلوم نیست هدفش راضی کردن داوران است یا مردمی که باید برای این فیلم بیت بخرند. انیمیشن سفارشی و فیلمی که به وضوح «پروژه» است با ستاره های مشهور و بریز و بپاش های تولیدی قرار است کدام مخاطب را جذب کنند و از چه سمت و سویی نمره قبولی بگیرند.

شاید بد نباشد این چند روز پراشتاب و پرحاشیه که تمام شد، مدیران و سیاستگذاران سینمایی در نشست های هم اندیشی و تصمیم سازی به این نکته ساده هم فکر کنند که این فیلم ها با بودجه های دولتی و حمایت های نهادی گسترده برای چه کسانی و با چه هدفی ساخته می شوند؟ لاقلاً از اول به تناسب گروه هدف طراحی و تولید کنید.



حسین ریگی از میرو به عنوان سومین فیلم بلند سینمایی اش می گوید

شکوه جوانمردی اهالی جنوب

را به تصویر کشیده ام



فهیمة پناه آذر

حسین ریگی کارش را از مستندسازی شروع کرد و علاوه بر مستندهایی که ساخته در کارنامه اش تولید فیلم های تلویزیونی را هم دارد. «میرو» بعد از ۲ فیلم «لیپار» و «هوک» سومین فیلم حسین ریگی به حساب می آید. هر ۳ فیلم این کارگردان در سیستان و بلوچستان ساخته شده اند و بومی هستند. فیلم در بخش سودای

در فیلم هایی که ساخته اید، تصویری از سیستان و بلوچستان را جلوی دوربین برده اید؛ به نظر این فیلم هم حال و هوای ۲ فیلم قبلی را دارد و در منطقه سیستان جلوی دوربین رفته است؟

زمانی که فیلمسازی را شروع کردم، هدفم این بود که تصویر دیگری از سیستان و بلوچستان را در سینمای ایران نشان بدهم. نخستین تجربه من با فیلم «لیپار» رقم خورد که فضای کودک و نوجوان داشت؛ البته بعد از ساخت این فیلم فکر نمی کردم که آثار دیگری با محوریت زادگاهم بسازم، اما مسیر فیلمسازی من باز هم در سیستان و بلوچستان ادامه پیدا کرد. بعدها فیلم سینمایی «هوک» و حالا «میرو» را ساختم.

علاوه بر فضای فیلم «میرو» قصه فیلم نیز مانند ۲ فیلم دیگر تان است؟ برای نوجوانان ساخته شده است؟

میرو داستان زندگی پسری است که برای اثبات مردانگی اش دل به دریا می زند و مسیر پرفراز و نشیبی را سپری می کند. بارها گفته ام که فیلم هایم بخشی از وجود من هستند؛ «میرو» نیز همین است؛ چرا که داستان نوجوانی است که برای رسیدن به هدفش می جنگد.

شما در فیلم های تان عناصر بومی را خیلی مدنظر قرار می دهید. همچنان می خواهید در این منطقه فیلم بسازید؟

هر کدام از استان های زیبای کشورمان به یک خصیصه و ویژگی شهرت دارند. باید تأکید کنم که مردم سیستان و بلوچستان نیز به مهمان نوازی، جوانمردی و غیرت اهالی اش مشهور هستند. «میرو» نماینده ای

سیمرغ این دوره از جشنواره حضور دارد و این بار نیز این کارگردان داستانی بومی را از مردم سیستان و بلوچستان به تصویر کشیده است. نخستین فیلم ریگی (لیپار) در ژانر کودک و نوجوان است و داستانش درباره عشق نوجوانی به سینماست؛ دومین فیلم وی (هوک) یک فیلم نوجوانانه و ورزشی درباره ورزش بوکس بود، اما «میرو» داستانی درباره مقاومت مردم سیستان در ۸ سال دفاع مقدس را روایت می کند.

از همین ویژگی های کمتر گفته شده اهالی جنوب کشورمان است. متأسفم که در طول دهه های اخیر، چهره ای منفی آمیخته به قاچاق، اشرار و... از این منطقه ارائه شده است، اما در لابه لای این تصاویر، نقاط روشن بسیار زیادی نیز وجود دارد که باید بیان شود. تمام تلاش من در فیلم «میرو» بیان همین موضوعات است.

خودتان زاده و بزرگ شده آن منطقه هستید. برای گروه، پروسه فیلمبرداری و تولید سخت نبود؟

فیلمبرداری «میرو» از شهریور ماه آغاز شد، اما شرایط جوی سخت و گرمای هوا کار گروه تولید را بسیار سخت می کرد. جالب است بدانید در چه هوا در شهر یورماه در سیستان و بلوچستان گهگاه چند برابر درجه هوا در تهران بود. علاوه بر سختی های فیلمسازی در هوای گرم و شرجی جنوب کشور باید به سختی های کار کردن با بازیگران نوجوان که عمده شان برای نخستین بار مقابل دوربین قرار گرفتند نیز اشاره کنم.

بازیگران شما عموماً در رده سنی نوجوان هستند و نابازیگر. تعامل با اینها در پروسه تولید به چه شکل است؟

در «میرو» ۲۴ بازیگر داشتیم که از بین آنها تنها ۶ هنرمند، تجربه حرفه ای بازیگری و حضور مقابل دوربین را داشتند. سودابه بیضایی به همراه امیررضا دلاوری، ایوب افشار، حمید ابراهیمی، ابوالفضل همراه و آرزو تاج نیا بازیگران دوربین دیده ما بودند و ۱۸ بازیگر دیگر که همه شان بومی بودند، برای نخستین بار مقابل دوربین قرار می گرفتند. این موضوع چالش بسیار سختی در تولید فیلم بود.



تیغ و ابریشم

سنتی که پابرجا ماند



سعد مروتی

سال ۶۸ نخستین دوره‌ای بود که به تماشای فیلم‌های جشنواره رفتیم؛ جشنواره هشتم؛ سال «ندان مار» و «هامون» و «مادر» و «کلوز آپ». دبیرستانی بودم و تصمیم به رفتن به جشنواره و ایستادن در صف را یک‌سال قبلش گرفته بودم؛ از لحظه‌ای که ویژه‌نامه جشنواره مجله فیلم را در بهمن ۶۷ خریدم. ۵۰ تومانی که برای ویژه‌نامه مجله فیلم به پیرمرد ده‌کده‌دار دادم، بیشترین مبلغی بود که تا آن زمان برای خرید مجله پرداخت کرده بودم. در واقع کل بودجه یک‌هفته‌ام را پای مجله فیلم داده بودم؛ مجله‌ای که باعث آشنایی جدی‌ام با جشنواره فجر شد و سال بعد، شال و کلاه کرده در صف ایستاده بودم و در دستم ویژه‌نامه مجله فیلم و در جیب کاپشنم برنامه جشنواره بود. داخل سینما که می‌شدم بولتن روزانه جشنواره را می‌خریدم که خیلی پر بار و خواندنی بود. از بولتن جشنواره هشتم گفت‌وگوی امید روحانی با کیارستمی را به یاد دارم که بعدها جنجالی شد و مسعود فرستی برای کوبیدن «کلوز آپ» از آن استفاده کرد. خاطره خوش دوره هشتم با مجله فیلم و نشریه روزانه جشنواره، و نوجوانی که تنها وارد صف‌های طولانی مقابل سینما می‌شد را جذب ماجرا کرد؛ جوری که این داستان ۷ سال ادامه پیدا کرد تا جشنواره چهاردهم که پایم به سینمای مطبوعات باز شد و این خود، داستانی دیگر است. از دهه ۷۰ که تعداد نشریات سینمایی بیشتر و صفحات سینمایی روزنامه‌ها پر بارتر شد، ویژه‌نامه‌های مطبوعات به‌عنوان یکی از نشانه‌های مهم جشنواره، جایگاهی تزلزل‌ناپذیر داشت. همیشه بهترین و کامل‌ترین ویژه‌نامه را ۳ فننگدار مجله فیلم (هوشنگ گل‌مکانی، عباس یاری و مسعود مهرابی) منتشر می‌کردند. کنارش هفته‌نامه سینما هم بود که ۲ شماره، یکی ابتدای جشنواره و یکی هم انتهای جشنواره، منتشر می‌کرد؛ با جلد رنگی گلاسه که خیلی هم زود نایاب می‌شد؛ مثل مجله فیلم که بعد بود در میانه‌های برگزاری جشنواره گیر کسی بیاید و معمولاً همان روز اول انتشار تمام می‌شد.

سال‌ها گذشت و زمانه عوض شد و جشنواره‌های بسیاری آمدند و رفتند و مطبوعات همچنان به فیلم فجر پرداختند. از دهه ۹۰ مطبوعات کاغذی دچار افت تیراژ و خواننده شدند ولی سنت انتشار نسخه کاغذی برای جشنواره همچنان پابرجا ماند. اینکه گردانندگان مجله فیلم دیروز که حالا مجله فیلم امروز را منتشر می‌کنند چرا از سنت قدیمی‌شان دست‌شسته‌اند را دوستان در نشریه‌شان توضیح داده‌اند؛ ما در اینجا، در «همشهری» همه این روزها برای تماشاگران جشنواره، نشریه روزانه منتشر می‌کنیم و در این راه هم تنها نیستیم.

وقتی از فضای سرد بیرون وارد سالن گرم سینما می‌شوی، در دست گرفتن نشریه‌ای که در باره فیلم‌های همان روز مطلب و گفت‌وگو و گزارش دارد، هنوز و همچنان می‌تواند لذتبخش باشد... در ضمن کنایه یک برنامه تلویزیونی به نشریات کاغذی را هم می‌شود فراموش کرد...



کوتاه و بدون مقدمه

پهروز افخمی در نشست رسانه‌ای، «صبح اعدام» را فیلمی دانست که به شیوه دیگری نمی‌شد آن را ساخت

درام سیاسی، تاریخی، «صبح اعدام» یکی از معدود فیلم‌های جشنواره امسال که فیلمساز با تجربه کارگردانی اش کرده، از فیلم‌های مهم به نمایش درآمده در روز سوم بود.

فیلم سینمایی «صبح اعدام» به کارگردانی پهروز افخمی که در رقابت سودای سیمرغ چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر حضور دارد، ظهر شنبه ۱۴ بهمن در برج میلاد نمایش داده شد. در نشست رسانه‌ای فیلم که با حضور کارگردان، تهیه‌کننده، تدوینگر و بازیگران برگزار شد پهروز افخمی گفت: با توجه به برنامه پخش فوئبال جای مقدمه نیست و کوتاه پاسخ می‌دهم.

صدر صد منطبق با واقعیت عمل نگردیم

فیلم می‌توانست به صورت مستند داستانی اجرا شود چرا که مقدار زیادی تریبون و گفتار متن دارد و معتقدم به هیچ شکلی غیر از این نمی‌شد کار کرد. «صبح اعدام» صد در صد طبق واقعیت نیست و ما خود دیالوگ و داستان را تنظیم کرده‌ایم. به عنوان مثال دیالوگی که به آقای خمینی بگوید «همه تورا دیدن و خریدن و من ندیده خریدم» جای دیگری از طیب نقل شده بود اما آن را به اتاق اعدام منتقل کردیم.

بیشتر فیلم‌های من اقتباسی بوده است

نصف بیشتر فیلم‌های من اقتباسی بوده ولی این یکی خیلی اقتباس دقیق به حساب نمی‌آید و بیشتر بر مبنای گزارش یک روزنامه بوده است. از بین دیگر فیلم‌هایم حتی «شوکران» هم منابع اقتباسی داشت و شاید فقط فیلم «تختی» بوده که اصلاً چنین شرایطی نداشت.

مرگ کسب و کار من است

حسین نمازی، کارگردان، «شه‌سوار» را بهترین فیلم خود می‌داند

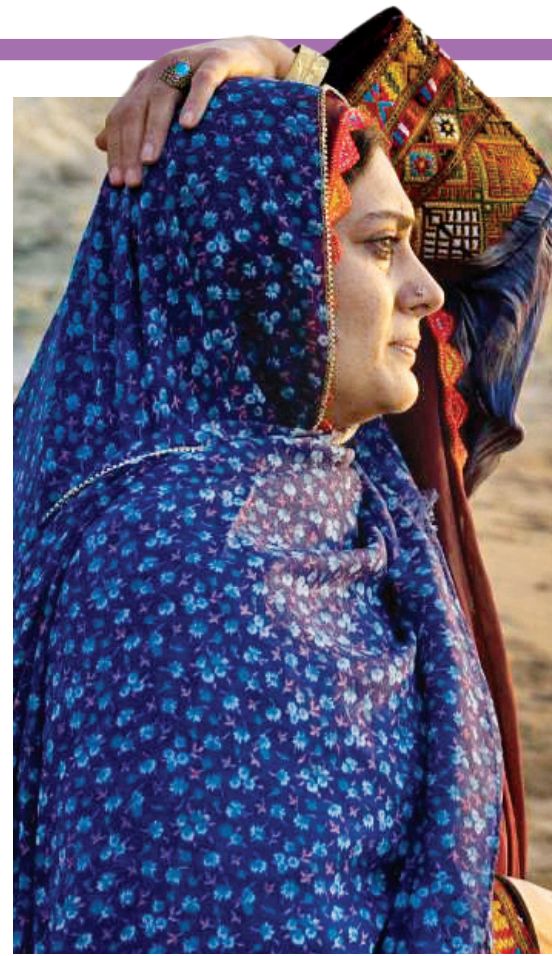
نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی «شه‌سوار» در سومین روز از چهل و دومین جشنواره فیلم فجر برگزار شد. در این نشست حسین نمازی کارگردان، سعید عطائیان تهیه‌کننده، الناز حبیبی، عباس جمشیدی فر، هادی کاظمی و گیتی قاسمی بازیگران و میثم مولایی تدوینگر، وحید زارع مندر طراح صحنه، فاطمه صفری زاده طراح لباس، امید گل زاده طراح گریم و آرش قاسمی صداگذار حضور داشتند. حسین نمازی که ۲ سال پیش با «شادروان» یکی از پدیده‌های جشنواره نام گرفته بود، این بار واریاسیون دیگری از تم فیلم قبلی‌اش ارائه کرد.

جشنواره فیلم فجر نقطه عطف سینمای ایران است

جشنواره فیلم فجر نقطه مهمی در سینمای ماست. به نحوی که امروز تمرکز کل کشور روی سینماست و درباره فیلم‌های مختلف صحبت می‌شود و ما در همین سالن‌های سینما و نقد و بررسی‌ها متوجه می‌شویم که چه باید بکنیم و حتی تغییراتی در فیلم اعمال کنیم.

مرگ، دستمایه ثابت فیلم‌هایم است

چند نکته در «شه‌سوار» وجود دارد که باعث می‌شود شما یاد «شادروان» بیفتید؛ مانند جغرافیا که من این جغرافیا را خیلی دوست دارم و فیلم دیگر من نیز در همین جغرافیا خواهد بود. دیگری نیز مرگ است. سومین شباهت هم این است که هر دو فیلم در یک مراسم اتفاق می‌افتند. مسئله مرگ برای من در این چند سال خیلی مهم بوده است و زیاد به مرگ فکر می‌کنم.



ایجاد تعادل بین بازیگران حرفه‌ای و آماتور چالش بسیار سختی برای من به‌عنوان کارگردان بود. علاوه بر این، مجبور بودیم برخی از پلان‌ها را چندین بار برداشت کنیم که شرایط ساخت می‌کرد. پیش‌تر تجربه کار کردن با نوجوان کم‌تجربه را داشتیم. در فیلم لیپار، ۵ بازیگر نوجوان داشتیم که هنرمندی‌شان در جشنواره کودک و نوجوان دیده نشد. فیلم سینمایی هوک نیز موفق به دریافت سیمرغ بخش بین‌الملل در بخش دستاورد هنری شد، اما در میرو تعداد بازیگران دوربین ندیده بسیار بیشتر بودند که کار را سخت می‌کرد.

کارگردانان در حوزه کودک و نوجوان عموماً به موضوعات کودک می‌پردازند تا نوجوان، اما شما در فیلم‌ها یثان موضوع نوجوانان را مدنظر قرار دادید. لزوم توجه به نوجوانان در سینما چگونه است؟

در دهه ۱۳۶۰، سینمای کودک و نوجوان ایران با ساخت آثاری مثل «دوند» «باشو غریبه کوچک» و... روزهای خوبی را سپری می‌کرد، اما در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ و بعد از آن، کارگردانان ما آرام‌آرام از سینمای کودک دور شدند و اکثرشان به سمت ساخت فیلم‌های طنز، اجتماعی و عاشقانه رفتند. همین موضوع باعث ایجاد ضعف بزرگی در سینمای کودک و نوجوان شد. شخصاً به ساخت فیلم، چه کوتاه و چه بلند برای این رده سنی توجه ویژه‌ای دارم و ۵-۴ سال است که تمام توان خود را روی سوژه نوجوان گذاشته‌ام. به نظر من باید برای نوجوانان رویا بسازیم. خلاصه این موضوع در شهرستان‌ها بیشتر احساس می‌شود. وقتی از کودک یا نوجوان سیستانی می‌خواهید رویاهايش را نقاشی بکشید، دقیقاً نمی‌داند چه باید بکشد؟! وظیفه سینماست که برای این رده سنی رویا بسازد. تلاش من در میرو همین موضوع بوده است.



فیلم‌های فوتبالی
اینجا جای چپ‌زدن
نیست

علیرضا محمودی

در حالی که ترکیب سینما و فوتبال در مطبوعات باعث موفقیت هفته‌نامه‌های فراوانی شد، اما این ترکیب در ساختار تولید سینمای ایران با چنان سرنوشتی روبه‌رو شده که انگار بازگشت به آن حاصلی جز خنده حضار نیست. داستان فقط اکران افتضاح مثلث آبی (۱۳۷۸/۱) هادی صابر) با ترکیب جواد زرینچه و محمد صالح علا نیست و ماجرا نباید فقط رفتن یک هزارم تماشاگران بازی‌های پرسپولیس برای دیدن فوتبالیست‌ها (۱۳۷۹/اکبر ثقفی) باشد. پرونده بی‌علاقگی مردم به دیدن فوتبال ایرانی در فیلم ایرانی بازتر از این حرف‌هاست. وقتی در دوران مختلف با ۲ دروازه‌بان محبوب تیم ملی چه در سال ۱۳۷۹ با احمد رضا عابدزاده (از دواج غیابی) و چه در سال ۱۴۰۰ با علیرضا بیرانوند (بیرو) فیلم‌ها نمی‌توانند دلبری حتی محدودی هم راه بیندازند، گریزانی سینمای ایران از فوتبال بیشتر نمایان می‌شود. انگار فوتبال فقط به عنوان یک موضوع فرعی برای انواع فیلم‌ها توصیه می‌شود تا داستانی برای جذب مخاطبان. از داستان زمین خوردن یک فوتبالیست مانند شکوه قهرمان (۱۳۴۸/علیرضا زرین دست) تا بحران‌های عاطفی یک هوادار فوتبال مانند عمو فوتبالی (۱۳۵۴/ایرج قادری). از اشفقتگی‌های عاطفی یک شرط‌بند فوتبال از هت‌تریک (۱۳۹۸/رامتین لوفی) تا تومان (۱۳۹۷/مرتضی فرشاد). از بهم خوردن رابطه یک زوج به خاطر فوتبال مانند عرق سرد (۱۳۹۶/سهیل بیرقی) تا گیر کردن چند زن مشتاقی که می‌خواهند هر طور شده وارد استادبوم شوند مانند آفساید (۱۳۸۴/جعفر ناهایی). از مشکلات مربیان فوتبال در شهرستان‌ها مانند کتونی سفید (۱۳۸۶/محمد ابراهیم معیری) تا زاپاس (۱۳۹۴/برزو نیک‌نژاد).

فیلم‌های ایرانی دیگری هستند که داستانشان یک جا به فوتبال گیر کرده یا قهرمان‌ها یک جا با نتیجه فوتبال خوشحال و غمگین می‌شوند، اما سینمای ایران در چرخه تولید فیلم‌های ایرانی هرگز اعتماد به نفس ساختن فیلمی درباره فوتبال و یا حتی یک بازی فوتبال نداشته است. همه چیز در تماشای فوتبال و رفتن به استادبوم و یا استفاده از شور و هیجان سکوها خلاصه شده.

در سال ۱۳۷۶ که بازی‌های ایران برای صعود به جام جهانی به اوج حساسیت رسیده بود، ناصر تقوایی پیشنهاد داد که کارگردان پخش مستقیم یکی از بازی‌های ایران شود تا جای دوربین و نحوه سوئیچ دوربین‌ها در استادبوم آزادی را تصحیح کند. بدون شک تماشای بازی ایران با کارگردانی سازنده «ای ایران» بیش‌تر یک اتفاق سینمایی بود تا فوتبالی.



گفت‌وگو با انسیه شاه‌حسینی، کارگردان فیلم دست‌ناپیدا

ما باید تماشاگر تربیت کنیم

نه تماشاگر، فیلمساز

سمانه محسنی

ژانر دفاع مقدس مجموعه‌ای از مشخصات و مؤلفه‌هاست که بسته به نگاه فیلمسازانی که در این ژانر کار کرده‌اند، در هر دوره‌ای ویژگی‌های خاصی در آن قابل بازشناسی است. گاه این ژانر با نگاه انتقادی در آمیخته و حاصل کار فیلمی انتقادی شده و گاه به ستایش بی‌کم‌وکاست موضوعش

بسنده کرده. با هر نگاهی، تولید فیلم‌های دفاع مقدسی، مخصوصاً در سال‌های اخیر، با جدیت بیشتری پیگیری شده و در جشنواره امسال چند فیلم دفاع مقدسی وجود دارد. انسیه شاه‌حسینی فیلمساز دفاع مقدسی است که با جدیت‌ترین فیلمش، «دست‌ناپیدا» در جشنواره چهل و دوم حضور دارد. با او درباره این فیلم گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.



اما از نظر شکل و پرداخت و جنس نگاه به موضوع یک دنیا با هم تفاوت دارند. همه چیز بین این دو اثر ۱۸۰ درجه فرق دارد. «حوض خون» بیشتر بیوگرافی زنانی است که لباس رزمندگان را می‌شستند، ولی من در فیلمم یک درام اجتماعی از این موضوع ساختم.

در فیلم‌های قبلی تان همیشه با بازیگران حرفه‌ای کار کرده‌اید، اما در «دست‌ناپیدا» با ناباب، یگران و بازیگران بومی کار کردید. چرا بازیگران غیر حرفه‌ای را برای این کار انتخاب کردید؟

برای اینکه باورپذیر باشد. اگر یکی از بازیگران زن سلبریتی را می‌بردیم کنار کارون لباس می‌شست، همه می‌خندیدند. اما وقتی یک چهره ناشناس این کار را انجام می‌دهد و به بهترین شکل هم انجام می‌دهد و خودجنس است، کار من موفق‌تر می‌شود. ضمن اینکه جنس قصه‌های من نیاز به سلبریتی ندارد. بازیگر سلبریتی به درد فیلم‌هایی می‌خورد که قصه‌ها فقط به دنبال جلب تماشاگر هستند، ولی فیلم من قائم به قصه است. موضوع است که برای من مهم است و هر بازیگری می‌تواند این نقش را بازی کند، کما اینکه در این فیلم بیش از ۱۰ بازیگر ناشناس را که تا به حال بازی نکرده بودند، به سینما معرفی کردم. چون در دست سر جای خودشان در فیلم نشستند و در دست بازی کرده‌اند و من استفاده درستی از آنها کردم، غیر از اینکه فیلم من را قابل باور کردند، چند هنرپیشه خوب هم به سینما معرفی شد.

در جشنواره امسال چند فیلم با موضوع دفاع مقدس و فرماندهان جنگ حضور دارد. به عنوان کارگردانی که سال‌ها در سینمای دفاع مقدس کار کرده‌اید، وضعیت این نوع سینما را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سال‌های خیلی وحشتناکی بود؛ مثل دست‌نپی‌آفت‌زده و ملخ‌زده. ولی حالا خوشبختانه بار رویکرد فرهنگی دولت سیزدهم و مسئولان این دولت در این مدت کم چند فیلم خوب دفاع مقدسی ساخته‌اند و به جشنواره آورده‌اند و فکر می‌کنم در آینده هم رو به ازدیاد برود. هم در زمینه فیلم‌های دفاع مقدس و هم در زمینه فیلم‌های اجتماعی حرکت خوبی آغاز شده است و من به آینده سینما خیلی امیدوارم.

به نظر شما مخاطبی که به فیلم‌های کم‌مدی عادت داده شده، اصلاً از فیلم‌های دفاع مقدس استقبال خواهد کرد؟

آنقدر باید بسازیم تا مخاطب عادت کند. برای اینکه خوراک خوب به مخاطب ندادیم. طبیعتاً وقتی مدام ساندویچ به تماشاگر می‌دهیم، ذائقه‌اش به خوردن آنگوشت عادت ندارد. اگر خوراک خوبی به تماشاگر بدهیم، رغبت می‌کند. ما باید تماشاگر تربیت کنیم نه تماشاگر، فیلمساز.

پیش‌بینی می‌کنید فیلم شما در اکران عمومی مخاطب داشته باشد؟
صدرصد، با ریتم خوبی که دارد، کسانی که فیلم را دیده‌اند، گفته‌اند پر فروش خواهد بود.



بین «زیباتر از زندگی» که در سی و یکمین جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد و «دست‌ناپیدا» که امسال در جشنواره حضور دارد ۱۲ سال فاصله است. چرا بین فیلم قبلی و فیلم جدیدتان این قدر فاصله افتاد؟

من در این مدت خیلی فیلمنامه نوشتم، ولی خب دولت وقت می‌گفت اینها در اولویت ما نیست و بنابراین دوست نداشتند و کمک نکردند و فیلم‌های ما نوشته شده باقی ماند. تا اینکه دولت جدید آمد و ما نخستین فیلمنامه‌ای را که در دست داشتیم، ساختنش را شروع کردیم.

شما در این سال‌ها همیشه اصرار داشتید که فیلمساز دفاع مقدس باشید، ژانر دیگری مثل درام اجتماعی نیست که علاقه‌مند باشید در آن کار کنید؟ صرفاً به ساخت فیلم‌های دفاع مقدس علاقه دارید؟

درست است که فیلم‌هایم دفاع مقدسی است ولی در همه‌شان درام‌های اجتماعی وجود دارد. مثلاً اگر فیلم «پنالتی» را دیده باشید، یک درام قوی اجتماعی است که بخشی از آن دفاع مقدسی است. «شب‌بخیر فرمانده» یک درام اجتماعی بود. «زیباتر از زندگی» هم همین‌طور. «دست‌ناپیدا» هم یک درام اجتماعی است در قالب دفاع مقدس. من تک‌بعدی نگاه نمی‌کنم و صرفاً به جنگ نمی‌پردازم. فقط به نیروهای دفاعی نمی‌پردازم. همه فیلم‌های جنگی من بخشی‌شان درام اجتماعی است، منتها باید با دقت دید و این خط اجتماعی را در آنها پیدا کرد.

منظورم از درام اجتماعی فیلم‌هایی است که مسائل روز جامعه را دستمایه کار خود قرار می‌دهند.

دوستان به اندازه کافی از این فیلم‌ها می‌سازند. ژانر دفاع مقدس است که اقبال فیلمسازان به آن کم است. من آدم در این ژانر کار کردم به صرف اینکه کمتر به آن می‌پردازند و احساس کردم چون در جنگ حضور داشتیم، باید انجام وظیفه کنیم. شاید دیگران واقعیت‌های آن دوران را نمی‌دانند، ولی من تکلیف دارم چیزهایی را که دیدم بگویم.

در مصاحبه‌هایی که پیش از جشنواره انجام داده بودید، گفته بودید ایده «دست‌ناپیدا» را از فیلم خودتان «شب‌بخیر فرمانده» گرفته‌اید، اما صحبت‌هایی هم هست که فیلم شما قرابت‌هایی با کتاب «حوض خون» دارد. فیلم شما اقتباسی است یا ایده‌اش از فیلم دیگر خودتان گرفته شده؟

فیلم من هیچ ربطی به این کتاب ندارد. «حوض خون» راه دیگری می‌رود و قصه دیگری است و فیلم من راه خودش را می‌رود و قصه خودش را دارد. فقط در موضوع اشتراک دارند. مثلاً شما می‌روید راجع به فوتبال فیلم می‌سازید، یک نفر دیگر هم می‌رود و راجع به فوتبال فیلم می‌سازد. بین این دو فیلم فقط موضوع که فوتبال است مشترک است، ولی دو فیلم متفاوتند. «حوض خون» قصه زنانی است که لباس رزمندگان را می‌شستند و از جبهه حمایت می‌کردند و فیلم من هم درباره همین زنان است.

گفت و گو با محمد علی بصیری کارگردان انیمیشن ساعت جادویی

روایتی از شاهنامه

بازبان کودکانه

شقایق عرفی نژاد

در جشنواره امسال ۴ انیمیشن حضور دارند که با موضوعات مختلف کودکان را سرگرم خواهند کرد. یکی از این انیمیشن‌ها، فیلم ساعت جادویی به کارگردانی محمد علی



فیلم شما پیش از این در جشنواره کودک اصفهان نمایش داده شده است. با توجه به اینکه فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره نباید قبلاً در جایی نمایش داده شده باشند، ساعت جادویی چطور به جشنواره فجر هم راه پیدا کرده است؟

من در جریان این اتفاق نیستم. فیلم از طریق تهیه‌کننده به جشنواره ارسال شده، اما حس کنم از آنجایی که جشنواره امسال اهمیت خاصی برای انیمیشن قائل شده و ۴ انیمیشن در این بخش حضور دارند، به همین دلیل خواسته‌اند با بیشتر شدن فیلم‌ها، رقابت در این بخش جذاب‌تر باشد و کارها دیده شوند. اما از جزئیات اطلاعاتی ندارم.

انیمیشن شما با چه گروه سنی‌ای ارتباط برقرار می‌کند و می‌تواند مخاطبش باشند؟

به‌طور کلی سعی کردیم دامنه وسیعی از گروه مخاطبان را در نظر بگیریم. کار تم تاریخی دارد و تلاش ما این بود که روایت جذابی از یک واقعه تاریخی را نمایش دهیم. مواردی در کار وجود دارد که می‌تواند نظر مخاطب بزرگسال را هم جلب کند. تم کلی کار به سبک زندگی ایرانی برمی‌گردد که امروز آن را از دست داده‌ایم.

در مصاحبه‌ای گفته‌اید فیلم در جشنواره کودک اصفهان نتوانست با مخاطب ارتباط برقرار کند. در این باره بیشتر توضیح می‌دهید؟ چه اتفاقی افتاد؟

آنچه از رده سنی پایین باز خورد گرفتیم نشان می‌داد آنها نتوانسته بودند با کار ارتباط برقرار کنند و می‌گفتند مربوط به سن ما نیست. ولی نوجوانان توانسته بودند با فیلم رابطه برقرار کنند و آن را دوست داشتند.

نکته دیگری که وجود دارد این است که وقتی بچه‌های مدرسه به دیدن فیلم می‌روند نگاه متفاوت‌تری به فیلم دارند تا اینکه با خانواده آن فیلم را ببینند. وقتی کودک با خانواده فیلم را می‌بیند اگر سؤالی برایش پیش بیاید، آن را از مادر یا پدرش می‌پرسد ولی وقتی بچه‌ها به‌صورت جمعی به دیدن فیلم می‌روند حواسشان چندان به فیلم نیست و سؤالی هم اگر داشته باشند، کسی نیست که پاسخ دهد.

واقعه مسجد گوهر شاد اتفاق تلخ و خشنی است و روایتش برای کودکان کاری نامناسب به نظر می‌رسد. چه تمهیداتی داشتید که چنین واقعه‌ای را بدون نمایش خشونت برای کودکان روایت کنید؟

اگر بخواهیم وقایع تاریخی را در کتاب نگه داریم یا فقط مستندهایی برای بزرگسالان درباره آنها بسازیم، هیچ‌وقت نمی‌توانیم آنطور که باید به آن بپردازیم. اگر بتوانیم ایسن وقایع را با روایتی



بصیری نیک است که روند تولیدش از سال ۹۸ آغاز شده است. این انیمیشن سبک زندگی مردم ایران در سال‌های ابتدایی سده ۲۰۰۰ را نمایش می‌دهد و نگاهی هم به واقعه مسجد گوهر شاد دارد. در این گفت‌وگو با محمد علی بصیری درباره جزئیات این انیمیشن صحبت کرده‌ایم.

ملیف‌تر همراه با دلیل و شرح علت و معلول برای کودکان تصویر کنیم، بچه‌ها خیلی زودتر با هویت بومی خود آشنا می‌شوند. در این انیمیشن ما تم کودکان‌های به یک واقعه تاریخی خشن داده‌ایم تا کودکان فقط متوجه شوند چنین اتفاقاتی در تاریخ ما افتاده است. ضمن اینکه قضیه مسجد گوهر شاد فقط چاشنی فیلم ماست و ماجراهای زیاد دیگری هم وجود دارد که می‌تواند برای کودکان جذاب باشد. در مورد گوهر شاد هم بچه‌ها وقتی بزرگتر شدند، می‌توانند اطلاعاتشان را بیشتر کنند و با نکات بیشتری در این مورد آشنا شوند مثل همان اتفاقی که در مورد روایت داستان‌های شاهنامه برای کودکان می‌افتد. در این مورد هم داستانی از شاهنامه به شکلی کودکانه روایت می‌شود و زمانی که کودک بزرگ‌تر شد، می‌تواند داستان کامل را بخواند. فکر می‌کنم خود خانواده‌ها هم از این کار استقبال می‌کنند، چون اطلاعاتی که در مورد مسائل تاریخی داریم کم است. یک انیمیشن می‌تواند این اطلاعات را به شکل جذاب به کودکان ارائه دهد.

حضور انیمیشن‌ها در جشنواره همانطور که خودتان هم گفتید امسال پررنگ بوده است. قبل از این هم در طول سال گذشته چند انیمیشن موفق داشته‌ایم. فکر می‌کنید این را باید به حساب رشد انیمیشن بگذاریم یا مقطعی است.

به‌نظر من در چند سال گذشته نگاه هنری به انیمیشن کم‌رنگ‌تر شده و به شکل صنعتی به آن نگاه می‌شود. تولیدکننده‌ها و سفارش‌دهنده‌ها متوجه شده‌اند از این صنعت می‌شود پول درآورد همانطور که در کشورهای دیگر این اتفاق افتاده است. وقتی یک اتفاق هنری به صنعت تبدیل شود شروع به رشد و همه‌گیر شدن می‌کند. علاوه بر این در ایران ما نیروهای متخصص در انیمیشن زیاد داریم. هر چند متأسفانه عده زیادی از آنها از ایران مهاجرت کرده‌اند ولی اگر بستری فراهم شود که بتوانند در ایران فعالیت کنند، ایران به‌زودی یکی از کشورهای موفق در تولید انیمیشن خواهد شد.

فیلم‌ها یکی از گزینیه‌های اکران نوروز است. در این باره بگویید.

البته اکران خود نوروز نیست، ولی بعد از ماه رمضان اکران خواهد شد. هر چند زمان دقیق هنوز مشخص نشده است.

فرآیند ساخت این انیمیشن طولانی بوده است. خودتان هم اشاره کردید که ۳ سال زمان برده است. چرا اینقدر طولانی شد؟ علتش این است که کار سختی بود. البته این را هم بگوییم که



نگاه

دوروز دیرتر گونه‌ای متفاوت در حوزه سینمای اجتماعی

سید محمد حسینی*

فیلم سینمایی دوروز دیرتر گذشته از ساختار و تکنیک و مسائل فنی به حساب مضمون و لحن بیان فیلم امروز است و می‌تواند ممتاز محسوب شود. چرا که هم در انتخاب موضوع یعنی مسئله بسیار مهم فرزندآوری و هم در لحن یعنی بیان شیرین برای مخاطب جوان درست عمل کرده و حرف خود را می‌زند. این یک واقعه جاری است که ایران در حال فرو رفتن در سیاه‌چاله جمعیتی عظیمی است که می‌تواند بزرگ‌ترین چالش سال‌های آینده این سرزمین کهن باشد. این واقعیت روزگار ماست که چالش جمعیت در همه ارکان اجتماعی از خدمات عمومی پزشکی گرفته تا پیشرفت اقتصادی و قدرت نظامی را می‌تواند تحت‌تأثیر قرار دهد و این واقعیت تلخ فرهنگی است که آرام آرام صلابت پدران در حال افول و عاطفه مادرانه در حال ولخرجی در عرصه‌های بی‌ربطی همچون حیوانات خانگی و امثال آن است و اگر مدیران فرهنگی دست روی دست گذاشته و نظاره‌گر این فاجعه عظیم باشند دیر نخواهد بود که تعداد داروخانه‌ها از تعداد خواربارفروشی‌ها و تعداد مراکز فروش غذای حیوانات از نانواپی‌ها و تعداد مراکز درمانی سالمندان از مهدکودک‌ها بیشتر شده و کهن مرز و بوم ایران در کیهولت ناشی از بی‌عملی فرهنگی مسئولان خود گرفتار خواهد شد.

دوروز دیرتر یک چالش اساسی است هم برای سسازندگانش که می‌خواهند موضوع فرزندآوری را در سینمای ایران با یک پوشش عقیفانه و قالب عمومی بیان کنند و هم برای سرمایه‌گذاران که چالش ورود به حوزه مسائل واقعی و مهم اجتماعی را آغاز کرده‌اند. شاید اگر به‌جای دوروز دیرتر فرایبی روی یک فیلم اجتماعی سیاه‌سرمایه‌گذاری می‌کرد روایت فتح‌روی در ماندگی نئورئالیستی بعد از جنگ یک اثر خسته‌کننده خلق می‌کرد و یا اگر حوزه هنری یک کار ناظر به حوزه سلوک و بی‌ربط به وضعیت روانی امروز اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار می‌داد احتمالاً هیچ‌یک از نقدهای منفی موجود در آتمسفر امروز سینمای ایران متوجه این نهادها نبود.

جای تعجب است که برخی دوستان نویسنده و منتقد بدون توجه به کارکرد این اثر آن را بی‌پروا و بی‌پرده تلقی می‌کنند در حالی که سینما همان جایی است که اتفاقا می‌تواند در جه‌بندی سنی داشته باشد.

سینما همان جایی است که می‌تواند مخاطب خاص را برای بیان حرف‌های خود در نظر بگیرد. سینما همان جایی است که اغلب مخاطبانش در طبقه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند، یعنی درست سنین باروری فرزندآوری و گروه هدف مخاطب همین فیلم و سینما همان جایی است که با تأثیرگذاری حسی عاطفی می‌تواند زمینه‌را برای پذیرش موضوعاتش فراهم کند. تنها شرط این موضوع همان است که به زبان مخاطبش با او وارد مخاطبه شود. در غیر این صورت مخاطب بی‌رحم سینما عقد اخوت با هیچ اثری نبسته و در قبال بهایی که برای بلیت پرداخت می‌کند انتظار تماشای اثری دارد که استانداردهای لازم معنایی و زبان بیان روان و بی‌پروایی داشته باشد.

*مدیر انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس



روزنامه چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

42nd FAJR INTERNATIONAL FILM FESTIVAL یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۳

اول شخص مفرد

جشنواره جشنواره‌ها



فریدون جیرانی

جشنواره هشتم، یکی از مهم‌ترین ادوار برگزاری فیلم فجر است؛ دوره‌ای که روشنفکری ایران مرجعیتش را با توجه به اتفاقاتی که در اتحاد جماهیر شوروی رخ می‌دهد، تغییر می‌دهد و در واقع روشنفکری ایران از چپ می‌برد. در «هامون» می‌توانید رهاشدن مهرجویی را از جریان چپ ببینید. این دوره، فیلم مهم «دندان مار» را داریم که بهترین کیمیایی بعد از انقلاب است. همینطور «مادر» علی حاتمی. در دوره هشتم زن در سینمای ایران معنا پیدا می‌کند. زن‌های جشنواره هشتم فوق‌العاده‌اند. کاراکتر زیور در «دندان مار» را به خاطر بیاورید. زیور بهترین کاراکتر زن فیلم‌های کیمیایی است. یک زن پایین شهری فوق‌العاده با بازی درخشان خانم گلچهره سجادیه. در «هامون» کاراکتر مهشید، زن مدرنی است که تماشاگر از او بدش نمی‌آید و این نکته مهمی است.

داوران جشنواره هشتم زیادی شایسته «هامون» شدند و بیشتر جوایز جشنواره را به این فیلم دادند. توجه بیش از حد داوران به «هامون» باعث شد فیلم‌های شاخص دیگری که در این دوره بودند و شاید بشود گفت در این دوره بیشتر از هر دوره دیگری فیلم شاخص داشتیم، در سایه قرار بگیرند. البته که «هامون» فیلم فوق‌العاده و جریان‌سازی در تاریخ سینمای ایران است؛ هر چند زمان جشنواره هشتم، ما خیلی از «هامون» خوشمان نیامد. به تعبیر دقیق‌تر مثل داوران شایسته‌اش نشدیم. اغلب نقدهای دوره جشنواره درباره فیلم هم لحن منفی داشتند. «مادر» علی حاتمی هم زمان جشنواره از طرف منتقدان تحویل گرفته نشد. همینطور فیلم درخشان عباس کیارستمی، «کلوزآپ» که در فضای جشنواره هشتم، مورد توجه قرار گرفت و ارزش‌هایش بعدها کشف شد. آن موقع یادمان است که طولانی بودن فیلم اذیت‌مان کرد. کیارستمی بعد از نمایش جشنواره، فیلمش را چند دقیقه‌ای کوتاه کرد و این نسخه کوتاه شده بود که به جشنواره‌های جهانی رفت. در حال و هوای جشنواره هشتم، «کلوزآپ» فیلم دلچسبی برایمان نبود. تحلیل و قضاوت امروز، می‌گوید فیلم کیارستمی شاهکار است. آدمی که از طبقه پایین می‌آید، هویت طبقه متوسط را جعل می‌کند و لذت می‌برد از بازی دادن یک آدم سرمایه‌دار و سرکار گذاشتنش. فاصله طبقاتی و تقابل طبقاتی به شکل زیبایی در فیلم نمود پیدا می‌کند. تحلیل امروز این است که سینمای روشنفکری پس از انقلاب با «کلوزآپ» هویت پیدا می‌کند. زمان جشنواره هشتم، فیلم محبوب من «دندان مار» بود. بازگشت قدرتمندانه کیمیایی به جنوب شهر؛ با همه مایه‌های آشنای کیمیایی‌وار. نخستین فیلم بعد از انقلاب که قهرمانانش قانون‌گریز هستند. رضا و احمد در «دندان مار» به‌عنوان شخصیت‌های آرمانی کیمیایی، قانون‌گریز هستند. در حالی که قبل از «دندان مار»، فقط شخصیت‌های منفی فیلمی‌ها قانون‌گریز بودند. «دندان مار» از نظر نگاه اجتماعی و تصویر جامعه، سند بسیار مهمی از یک دوره تاریخی است. فیلمی که هنوز هم درخشان و پررنگ است و داوران جشنواره هشتم از کنارش عبور کردند. برعکس منتقدان که اغلب عاشق «دندان مار» شده بودند.

دیگر فیلم مهم این دوره که جایزه بهترین فیلم را هم گرفت، «مهاجر» حاتمی‌کیا بود. نقطه عطفی در سینمای دفاع مقدس که خیلی ما را تحت تأثیر قرار داد. یادمان است که بعد از دیدن «مهاجر»، با غلامرضا موسوی، حاتمی‌کیا را دیدیم و به او تبریک گفتیم. «مهاجر» در کنار «به رنگ ارغوان» بهترین فیلم‌های حاتمی‌کیا هستند. حاتمی‌کیا در «مهاجر» همان حرف «عروسی خوبان» را می‌زند ولی لحنش مثل فیلم مخملباف تند نیست. فیلم مرئی‌ای است بر نسلی که روزگارش در حال سپری شدن است. نکته کلیدی «مهاجر» همین نکته است. نکته مهم دوره هشتم این است که همه فیلمسازان، فیلم خودشان را ساخته‌اند و با بهترین‌هایشان به جشنواره آمده‌اند. جز «ای ایران» ناصر تقوایی که انتظارات را برآورده نکرد. کیمیایی، مهرجویی، حاتمی، حاتمی‌کیا، رئیس‌یان و... با بهترین‌هایشان به دوره هشتم آمده بودند.



چند فریم مکتوب از احوالات جشنواره چهل و دوم

تمساح و تابستان، برف و خون

مسعود میر

طولانی و بازیگر رفیق بی دلیل هم دارد که مفید و در خدمت فیلم از آب در نیامده است.

عزتی می‌تواند با تمساح خونی‌اش، چراغ اکران را سو دهد و این مهم در یک‌تازی کم‌دی‌های سخیف و فسیلی، یک اتفاق خوب است.

فیلم آقای کلاری یک حدیث نفس خوش‌لعاب است که یک بازیگر کودک محشر، یک مادر بزرگ درجه یک و یک جوان اول حیرت‌انگیز دارد. به اینها اضافه کنید ده‌ها پلان دلنشین که جزئی از معجزات خاندان کلاری در رنگ و نور به شمار می‌آید.

حسرت‌هایی که فیلم به دل‌مان می‌گذارد اما کم نیست. اینکه کاش داوود با بازی علی شادمان که اینقدر خوب از آب در آمده بود ناگهان با یک خط نریشن، تیزر از آب در نمی‌آمد.

کاش سرخوشی آن تنگ‌قلبان و هندوانه شیرین و پالوده یخ مال به اجرای قصه فیلم هم سرایت کرده بود؛ شیرازی‌ها اینقدر بی‌قصه نبودند و شوهر کلاش فکل کراواتی با یک نما به نقش منفی رذل آن‌هم با بازی همیشه افتضاح بازیگرش، بدل نمی‌شد.

اصلاً کاش قصه کودک‌تا و حمله به فیلم تحمیل نمی‌شد و در یک جمله اسم فیلم تابستان همان سال نبود.

برف‌ها از روی خورشید بی‌رمق خجالت می‌کشند و عرق می‌ریزند. هنوز جشنواره به نیمه نرسیده و هنوز امید به راه صعب و مطلوب با ماست...



توضیح وزیر ارشد درباره حواشی فیلم بی بدن

نسخه ۴ دقیقه‌ای تحویل دفتر جشنواره داده شده بود

روزی که این فیلم در مرحله انتخاب بوده دوستان ما بیش از ۴۰ دقیقه از فیلم را دیدند و نتوانسته بودند جمع بندی کنند. البته فیلم، فیلم خوبی بود و باید از عوامل و بازیگران تشکر کرد و الان هم امیدواریم مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد. وی در باره حضور هنرمندانی که نتوانستند در نشست خبری «بی بدن» حضور یابند در پاسخ به اینکه آیا در اختتامیه حضور خواهند داشت؟ توضیح داد: دعوت صورت خواهد گرفت اما به هر حال بعضی می‌آیند بعضی هم ممکن است نیایند. ما جشنواره را متعلق به همه هنرمندان می‌دانیم، جشنواره مال هنرمندان است و خودشان صاحب جشنواره هستند و میزبان هستند. آن شالاه هنرمندان فرصت داشته باشند حضور پیدا کنند؛ سالن به اندازه همه هنرمندان جای دارد.

(اشاره غیر مستقیم به اعتراض الناز شاکردوست) ضمن عذر خواهی از بروز این حواشی در توضیحاتی گفت: اگر برای هر کسی این اتفاق افتاده من از اینجا عذر خواهی می‌کنم. بلافاصله به همکاران گفتم که اگر خدای نکرده ناهماهنگی‌هایی شده جبران کنند. این حواشی به دلیل ناهماهنگی‌هایی بوده که حل شده و تکرار نخواهد شد. وی در پاسخ به اینکه فیلم «بی بدن» عنوان می‌شود به دلیل نداشتن کیفیت لازم از بخش سودای سیمیرغ حذف شده است؟ توضیح داد: آن

یکی از فیلم‌هایی که پیش از شروع جشنواره حرف و حدیث‌های زیادی درباره‌اش به راه افتاد، «بی بدن» بود. راه‌نیافتن این فیلم به بخش سودای سیمیرغ حاشیه روزهای پیش از آغاز جشنواره بود و اعتراض الناز شاکردوست بازیگر این فیلم، حاشیه آغاز این رخداد. دیروز وزیر ارشد نسبت به آنچه در حاشیه و متن فیلم «بی بدن» رخ داد واکنش نشان داد. محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه مراسم اعطای قلم مقدس در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره حواشی فیلم «بی بدن» و راه ندادن هنرمندان به جشنواره

